



کلمه آلامش



جایگاه و نقش مادر در خانواده



کلبه آراش



جایگاه و نقش مادر در خانواده

به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
آستان قدس رضوی

نویسنده: حسین وفاپخش

ویراستار: سید حمید حیدری ثانی (مؤسسه «ویراستاران»)

صفحه آرا: سجاد داد خواه

چاپخانه: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

شمارگان: ۲۵۰۰۰ جلد

ناشر: به نشر

نوبت چاپ: اول

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

سندوق پستی: ۹۱۷۲۵/۳۵۱

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

فصل ۳: کلیدهای طلایی خوشبختی	۴۱	۶	درآمد
خوش اخلاقی	۴۴	۹	فصل اول: ضرورت و چرایی تشکیل خانواده
احترام	۴۵	۱۱	حرکت تیمی به سمت رشد و کمال
فروتنی	۴۷	۱۲	تسکین و آرامش روانی
وفاداری	۴۸	۱۲	گسترش صفات شایسته و رشد اخلاق
انصاف	۵۳	۱۳	تأمین نیاز به محبت و پشتیبان
چهره شادمان	۵۴	۱۳	تربیت فرزند صالح و گسترش آرمان توحید
نگاه محبت‌آمیز	۵۵	۱۴	موانع نادرست ازدواج یا نوان
استقبال و بدرقه	۵۵	۱۴	فرار از مسئولیت
همنشینی و غذا خوردن با همسر و فرزندان	۵۶	۱۴	سخت‌گیری و توجه زیاد به مادیات
توجه به آراستگی	۵۷	۱۵	مهریه: نشان صداقت یا پشتوانه مالی؟
تغافل	۵۸	۱۶	ادامه تحصیل
رضایت و خرسندی	۵۹	۱۹	فصل ۲: جایگاه زنان در تحکیم نهاد خانواده
فصل ۴: ضرورت فرزندآوری	۶۳	۲۳	نقش‌های متفاوت: راز پایداری خانواده
آثار و نتایج تولد و تربیت فرزند	۶۵	۲۴	جایگاه مردان در نظام خانواده شایسته
خشنودی خداوند و گسترش توحید	۶۵	۲۶	ویژگی‌های همسران بهشتی
جلب رحمت الهی به والدین	۶۵	۲۹	تأمین نیازهای جنسی همسر
آموزش طلبی	۶۶	۳۰	ضرورت و چرایی تأمین نیازهای همسر
جایگاه و منزلت مادر	۶۶	۳۰	به هیچ عنوان برای روابط زناشویی
زمان مناسب برای تربیت؟	۶۸	۳۰	پیش شرط تعیین نکنید
جایگاه مادر تربیت‌اسلامی	۷۰	۳۱	لباس یکدیگرباشیم
راهکارهای تربیت‌اسلامی	۷۱	۳۲	محافظت در برابر آسیب‌ها
احترام	۷۱	۳۲	پوشش
محبت و نوازش و بوسیدن	۷۱	۳۴	زینت و آراستگی
قاطعیت و سازش نکردن	۷۲	۳۵	اظهار محبت و عشق‌ورزی به همسر
وفای به عهد	۷۳	۳۶	مروارید در صدف
کودکی کردن با کودک و بازی با او	۷۴	۳۷	اخلاق شایسته و سیرت زیبا
کلام آخر	۷۶		

هنگامی که چشم خود را در این جهان گشودیم، در اوج تنهایی و اضطراب، ناگهان در آغوش مادر قرار گرفتیم. آنجا بود که برای اولین بار طعم آرامش را چشیدیم. کم‌کم عادت کردیم برای رفع نیازهای جسمی خود نیز به مادر پناه ببریم تا او ما را از شیرۀ جانس سیراب کند. هنگامی که برای اولین بار می‌خواستیم برخیزیم، تشویق‌های مادرانه بود که زحمت افتادن و دوباره ایستادن را برایمان شیرین کرد. هنگامی که با دیوار برخورد کردیم و درد سراسر وجودمان را پر کرد، باز این آغوش مادر بود که طعم آرامش را برایمان به ارمغان آورد. هنگامی که وارد مدرسه شدیم، اگر تشویق‌ها و کمک‌های مادر نبود، شاید هیچ‌گاه خواندن و نوشتن را یاد نمی‌گرفتیم. چه زیبا بوده و هست آغوش مادرانه؛ آغوشی که در آن طعم مهر و لذت آرامش را چشیدیم.

مادران ما قطره‌قطره وجودشان را با عشق به «حسین فاطمه»، به ما خوراندند و شور ولایت را در دل‌هایمان قرار دادند. برای اولین بار که برمی‌خاستیم، «یاعلی» گفتن را یادمان دادند که بعدها که بزرگ‌تر شدیم و زمین خوردیم، بدانیم دنیا به آخر نرسیده است و می‌توانیم با یک «یاعلی» دیگر، دوباره برخیزیم و همه چیز را از نو آباد کنیم. حقیقتاً چه واژه مقدسی است این واژه مادر.

حتی کسانی هم که از نعمت حضور ظاهری مادر خود محروم هستند، آرامش خود را مدیون یاد و خاطره مادران خویش اند. شاید آن‌ها حتی بیشتر و بهتر قدر این فرشته بی‌همتای خداوندی را بدانند.

آرامش بزرگ‌ترین نعمت الهی است که خداوند آن را به بندگان شایسته خود به ارمغان داده و آرامش حقیقی را با یاد خود قرین ساخته و فرموده است:

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

(آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.)

و هنگامی که به پیوند بین اطاعت خداوند و پدر و مادر توجه کردیم، تازه متوجه شدیم این آرامش مادرانه، رنگ و بوی خدایی دارد؛ زیرا خداوند فرمود:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۲

(و پروردگارت فرمان داده است جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.)

این حقیقتِ لطافتِ جنس زن است که می‌تواند مردان و زنان بزرگی را در دامن پُرمهر خود تربیت کند. قدرت عواطف زنانه است که می‌تواند مرد را به بلندای سعادت رهنمون ساخته، زمینه‌های رشد فکری و معنوی او را فراهم سازد. به همین سبب است که هیچ‌گاه دوست نداریم دنیایی را تصور کنیم که در آن مهر مادرانه وجود نداشته باشد. چه زیبا فرمود پیامبر عزیزمان:

«چه خوب فرزندانِ هستند دختران؛ چراکه لطف بیشتری دارند، بسیار کمک‌کننده و موجب انس انسان هستند، قدمشان در خانه مبارک است و در خانواده، مهر و الفت ایجاد می‌کنند.»^۳

پس لازم است که این کتاب به مادر تمام مهربانی‌ها و زیبایی‌ها، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تقدیم شود؛ او که برای پدرش نیز همانند مادری دلسوز بود و برای امت اسلام، مادری مهربان و فداکار.

در این کتاب سعی بر آن بوده است که راهکارهایی از آیات قرآن و سخنان نورانی اهل بیت علیهم السلام مطرح شود تا به یاری این تعالیم نورانی و به لطف روح زیبا و لطیف خود، خانواده‌ای مستحکم بنا کنیم. امید است این تلاش کوچک پذیرفته‌امام رئوف، علی بن موسی الرضا علیه السلام قرار بگیرد.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
آستان قدس رضوی

۱. رعد، ۲۸.

۲. اسراء، ۲۳.

۳. فروع کافی، ج ۶، ص ۵.



ضرورت و چرایی سکندر خانواده





در ابتدای راه و قبل از پرداختن به جایگاه رفیع بانوان در مکتب اسلام، لازم است نگاهی به چرایی تشکیل خانواده بیندازیم. واقعیت این است که اگر حرکت و انتخابی بدون فکر اولیه و تبیین دقیق اهداف باشد، امید پیروزی و موفقیت آن بسیار اندک خواهد بود. مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام در فرمایشی خطاب به کمیل فرمود:

«در هر حرکت و فعالیتی قطعاً به علم و معرفت نیاز داری.»^۱

طبق فرمایش حضرت، در ابتدای هر حرکت، بررسی وضعیت موجود و تدبیر در غایت کار، از لوازم موفقیت در آن مسیر است. بدون شک ازدواج و تشکیل خانواده از تصمیم‌های مهمی است که هر فرد در زندگی خود می‌گیرد؛ چراکه آینده انسان با نوع تصمیم‌گیری وی درباره ازدواج پیوند خورده است.

با تعیین اهداف ازدواج، میزان تحمل ما در طول زندگی مشترک بسیار بیشتر خواهد شد. هنگامی که دلیلی ارزشمند برای اصل ازدواج خود داشته باشیم، تحمل مسائل و مشکلات کوچک موجود در مسیر زندگی برایمان آسان‌تر خواهد شد؛ اما اگر

۱- تحف العقول، ص ۱۷۱: «یا کمیل ما من حركة الا وانت محتاج فیها الی معرفة.»

چرایی محکمی برای تشکیل خانواده نداشته باشیم، با کوچک‌ترین مشکلات نیز تحمل خود را از دست می‌دهیم و میل به ادامه زندگی در ما کاهش خواهد یافت. پس بررسی دلیل‌ها و ضرورت‌های ازدواج حتی برای کسانی که سال‌ها از ازدواج آنان می‌گذرد، بسیار مفید خواهد بود.

● حرکت تیمی به سمت رشد و کمال

هدف اصلی از خلقت انسان‌ها رشد و کمال با ابزار بندگی است؛ همان‌طور که خداوند متعال فرمود:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

(جن و انس را فقط برای عبادت خلق کردم [تا از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند].)

انسان باید در مدت محدود عمر خویش، به سمت کمال مطلوب حرکت کند و تا حد امکان، زادوتوشه برای اقامت ماندگار خود در بهشت فراهم آورد. یکی از مبانی بنیادین موفقیت، تشکیل گروه و انجام دادن کار به صورت گروهی است. به یاد داشته باشیم توانایی‌ها و استعدادها و فرصت‌های ما محدود است؛ لذا برای رشد چشمگیر نیازمند بهره‌گرفتن از توان و قدرت اندیشه دیگران هستیم.

ازدواج یعنی تشکیل تیمی قدرتمند برای حرکت به سمت هدف ارزشمند بندگی. به همین دلیل، خداوند متعال خلقت انسان‌ها به صورت زوج را از نشانه‌های عظمت خویش دانسته و زن و مرد را یاور یکدیگر قرار داده است تا با کمک یکدیگر، حرکتی استوار را به سمت هدف شروع کنند و به آرامش و قرب الهی دست یابند:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...﴾

(و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید...)

به همین دلیل است که معصومان عليهم السلام در روایات مختلف به ازدواج توصیه کرده‌اند و از ترک ازدواج بدون عذر موجه بر حذر داشته‌اند. یکی از دلایل فرمایش‌های معصومان عليهم السلام مبنی بر تکمیل نیمی از ایمان با ازدواج، همین همراهی و همیاری زن

۱. ذاریات، ۵۶.

۲. روم، ۲۱.



و مرد با ویژگی‌های مکمل خود در مسیر رشد و کمال است. پیامبر عزیز ما می‌فرماید: «هرکس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است. پس در نصف دیگر، تقوای الهی پیشه کند.»^۱

• تسکین و آرامش روانی

همان طور که گفته شد، خداوند حکیم متعال هنگام خلقت انسان، او را به صورت زوج و جفت آفرید تا با قرار گرفتن در کنار هم، آرامش را برای یکدیگر به ارمغان آورند: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾^۲ (اوست آن کسی که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد...)

از نشانه‌های عظمت خداوند است که جنس زن را به گونه‌ای آفریده است که زمینه آرامش و تسکین قلب خود و همسر و فرزندانش می‌شود و امکان تربیت و رشد فرزندان پاک و صالح را در فضایی پر از محبت فراهم می‌سازد. از نگاه اسلام، زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و هریک باید لوازم آسایش و آرامش دیگری را فراهم کند. به همین دلیل است که زینت عبادت‌کنندگان، امام سجاد علیه السلام خطاب به مردان فرمود:

«حق همسر این است که بدانی خدا او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی این نعمتی است از جانب خداوندت به تو. پس او را گرامی بدار و با او مهربان باش.»^۳

فراهم ساختن آرامش و وظیفه متقابل زن و مرد است که صد البته، بانوان به علت بهره‌مندی بیشتر از عواطف انسانی، نقش مؤثرتری را در آرامش خانواده ایفا می‌کنند.

• گسترش صفات شایسته و رشد اخلاق

بسیاری از صفات ارزشمند اخلاقی در زندگی تنها و مجرد، نمود و ظهور پیدا نمی‌کند و فرصت رشد و تکامل آن‌ها نیز به دست نخواهد آمد. صفات ارزشمندی همچون گذشت، فداکاری، صبر و احسان به دیگران از جمله صفات زیبای اخلاقی است که

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۲۵، حدیث ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳، حدیث ۴۳۴۲.

۲- اعراف، ۱۸۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۱، حدیث ۳۲۱۴؛ امالی صدوق، ص ۴۵۳، حدیث ۶۱۰.



در سایه ازدواج تقویت می‌شود. به همین جهت پیامبر رحمت محمد مصطفی ﷺ در توصیه‌ای حکیمانه به مسلمانان می‌فرماید:

«زنان بی‌همسر را همسر دهید؛ زیرا [با این کار] خداوند متعال، اخلاق آنان را نیکو می‌گرداند و روزی هایشان را گشایش می‌بخشد و بر مودت آنان می‌افزاید.»^۱

• تأمین نیاز به محبت و پشتیبان

انسان‌ها در ذات خود مهرورز هستند، دیگران را دوست دارند و می‌خواهند مورد علاقه و محبت دیگران باشند. خداوند متعال بهره‌ی زنان از این موهبت الهی را بیشتر قرار داده است؛ لذا آنان به دریافت محبت، نیاز بیشتری دارند. یکی از علل اصلی این شدت عواطف در زنان، وظیفه بسیار مهم و ارزشمند تربیت فرزند است که بر عهده آنان قرار گرفته است. اگر مادران سرشار از عواطف نباشند، نمی‌توانند از خودگذشتگی کنند و از خواب و خوراک خود برای آسایش و آرامش فرزندان بگذرند. به سبب همین نیاز بانوان به دریافت محبت از جانب شوهر است که امام صادق ع محبت به همسر را با ایمان مردان پیوند داده است:

«گمان نمی‌کنم که به خوبی ایمان مردی افزوده شود، مگر آنکه محبتش به زنان افزون شود.»^۲

• تربیت فرزند صالح و گسترش آرمان توحید

یکی دیگر از اهداف بسیار ارزشمند ازدواج که تحمل ناملایمات زندگی را بر انسان آسان می‌کند، تربیت فرزندان صالح و سالم است. فرزندآوری بدون تردید یکی از فضیلت‌های مردان و زنان مؤمن است تا به وسیله آنان، زمین از بانگ «لا اله الا الله» پر شود. بدون شک نقش زنان در شکل‌گیری و تولد و رشد و تربیت صحیح فرزندان بسیار چشمگیر است و به همین جهت نیز مشمول لطف و عنایت فزون‌تر خدا قرار می‌گیرند:

«همانا خداوند به بنده به سبب محبت زیاد او به فرزندش رحم می‌کند.»^۳

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲، حدیث ۳۸.

۲. کافی، ج ۵، ص ۲۲۰، حدیث ۲؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۴، حدیث ۴۳۵۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰، حدیث ۵؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲، حدیث ۴۶۹۵.



موانع نادرست ازدواج بانوان

● فرار از مسئولیت

یکی از دلایل اصلی تأخیر ازدواج که در بین دختران و پسران نیز مشترک است، فرار از مسئولیت است. واقعیت این است که در گذشته، فرزندان در خانه پدر و مادر، مسئولیت‌های مختلفی بر عهده می‌گرفتند. پسران دوشادوش پدران خود کار می‌کردند و دختران همراه مادران کارهای منزل را سامان می‌دادند. همین مسئله، منجر به آمادگی جوانان برای پذیرش مسئولیت می‌شد. اما زندگی‌های امروزی به‌گونه‌ای است که دختران و پسران تا سنین بالاتر و به بهانه‌های مختلف، از قبول مسئولیت در منزل اجتناب می‌کنند و به نوعی، به این فراغت عادت کرده‌اند. لذا قبول مسئولیت برای آنان سخت‌تر است و سعی می‌کنند به بهانه‌های مختلف، از آن رهایی یابند.

حقیقت این است که در وجود انسان، استعدادها و توانایی‌های بالقوه زیادی قرار گرفته است که بسیاری از این استعدادها، در دشواری‌ها و سختی‌ها بروز می‌یابد. خداوند متعال خطاب به انسان‌ها می‌فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾

(همانا انسان را در رنج آفریدیم.)

این رنج و مشقت که در سرشت آدمی قرار گرفته است، دست‌مایه رشد انسان‌ها می‌شود و استعدادها و توانمندی‌های آنان را بروز می‌دهد. با نگاهی به زندگی شخصیت‌های بزرگ تاریخ، در خواهیم یافت که آنان با تحمل همین رنج‌ها و مشکلات، توانسته‌اند نام خود را بر تارک تاریخ ماندگار سازند. پس تحمل مسئولیت و مشکلات احتمالی در طول زندگی مشترک، منجر به رشد بیشتر ما خواهد شد.

● سخت‌گیری و توجه زیاد به مادیات

گاهی اوقات دختران بر اثر توجه زیاد به وضعیت مالی خواستگاران و وسواس فراوان برای داشتن بهترین وضعیت مالی در ابتدای زندگی، خود را از ازدواج سالم محروم می‌سازند. واقعیت این است که نیازی نیست در ابتدای زندگی، تمام لوازم مهیا باشد، خودرو و منزل خریده شود و تمام اسباب رفاه فراهم گردد. بخشی از شیرینی



زندگی این است که دختر و پسر با کار و تلاش و به کمک یکدیگر، نیازهای خود را تأمین کنند و به تدریج رفاه خود را بیشتر سازند.

نگرانی برای تأمین آینده مالی، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه نشانه آینده نگر بودن و تدبیر دختران است؛ اما این نگرانی نباید به وسواس و زیاده خواهی منجر شود. تلاش برای ازدواج با فرد شایسته و با اخلاقی که حاضر باشد برای تأمین نیازهای خانواده، با جان و دل کوشش کند، برای تأمین سعادت ما کافی خواهد بود. واقعیت انکارناپذیر جامعه ما این است که ثروت و امکانات، خوشبختی نخواهند ساخت؛ بلکه صداقت در محبت است که شیرینی زندگی را تأمین می کند.

خداوند متعال به انسان ها وعده داده است که در صورت ازدواج البته با رعایت شروط و حدود اسلامی و با دوری از اسراف، نیازهای مالی خانواده نوپا را تأمین می کند:

﴿... إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

(... اگر آنان تنگ دست باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز خواهد کرد و خداوند گشایشگر داناست.)

● مهریه؛ نشان صداقت یا پشتوانه مالی؟

یکی از برداشت های غلط موجود در جامعه این است که مهریه را پشتوانه مالی و ضامن حفظ و بقای خانواده محسوب می کنند. ریشه این برداشت ناصحیح در فاصله گرفتن از تعالیم نورانی اسلام است. مهریه سنتی است که در اسلام واجب شده است؛ پس لازم است شروط آن را نیز از خود اسلام جو یا شویم. خداوند متعال در قرآن مجید خطاب به مردان می فرماید:

﴿وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾

(مهر زنان را همانند عطیه ای الهی به آنان بپردازید.)

«صدقاتهن» جمع «صداق» به معنی مهر است. «نحله» در لغت به معنی بخشش و عطیه آمده است. بنابراین تفسیر آیه چنین خواهد شد: «مهر را که یک عطیه الهی است و خدا به خاطر اینکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی

۱- نور، ۳۲.

۲- نساء، ۴.



جسمی او از این راه جبران گردد، به او عطا کرده، به طور کامل اعطا کنید.»^۱ طبق آیه شریفه، مهریه هدیهٔ مرد به همسرش و نشانهٔ صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است.^۲ خداوند حکیم مهریه را نه عامل حفظ زندگی و نه پشتوانهٔ اقتصادی، بلکه نشانهٔ صداقت محبت قرار داده است. پس چه نیکوست در طلب هدیه، توقع زیادی نداشته باشیم و فرصت ازدواج‌های شایسته را به بهانهٔ میزان مهریه از دست ندهیم.

• ادامهٔ تحصیل

یکی دیگر از موانع جدی ازدواج دختران، تمایل به ادامهٔ تحصیل است. بسیاری از دختران برای تکمیل مدارج علمی خود، فرصت ازدواج‌های شایسته را از دست می‌دهند و ازدواج خود را تا سنین بالاتر به تأخیر می‌اندازند. برای تصمیم‌گیری درست در این خصوص، یک بار باید ارزش‌های زندگی خود را بررسی کنیم و جایگاه علم، ثروت، تشکیل خانواده و دیگر ارزش‌های خود را مشخص کنیم. توجه کنیم با افزایش سن، عاطفهٔ زنانه که سرمایهٔ اصلی مادر حفظ خانواده و تربیت فرزندان است، رو به کاهش می‌گذارد و شور و نشاط زندگی در ما کاهش می‌یابد.

بدون شک قادر خواهیم بود با برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت مناسب زمان، پس از ازدواج نیز به طور شایسته به تحصیل خود ادامه دهیم و در کنار نقش همسری و مادری، مراتب علمی را نیز یکی پس از دیگری طی کنیم. پس همان گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر خدا فرمود: هرکه دوست دارد از سنت من پیروی کند، ازدواج کردن از سنت من است.»^۳



۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۳۵.

۲- تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۲۹، حدیث ۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸، حدیث ۱۰.





جایگاه زن
در حکیم نهاد خانواده





خداوند متعال انسان‌ها را با شکل‌ها، رنگ‌ها، نژادها، سلیقه‌ها و جنسیت‌ها و توانمندی‌های متفاوت آفریده است. به همین سبب، هریک از انسان‌ها در کار و حرفه‌ای توانمند است. برای همین، انسان‌ها می‌توانند به صورت گروهی زندگی کنند و نیازهای یکدیگر را با کار گروهی، برطرف کنند و اجتماعی سالم بنا نهند.

در این میان، گاه برخی افراد گمان برده‌اند این تفاوت‌ها، منجر به برتری افراد بر دیگران است. در طول تاریخ، برخی انسان‌ها رنگ پوست و ملیت و نژاد و متأسفانه برخی نیز جنسیت خود را ملاک فضیلت دانسته‌اند. خداوند متعال صراحتاً اعلام می‌کند هیچ‌یک از این تفاوت‌های فردی، نشان‌دهنده فضیلت بر دیگران نیست و تنها ملاک ارزشمندی انسان‌ها، عملکرد شایسته آن‌هاست:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

(ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. [این‌ها ملاک برتری نیست]. همانا گرامی‌ترین شما نزد

خداوند باتقواترین شماسست و خداوند دانا و آگاه است.)

عبارت انتهایی آیه شریفه مبنی بر علم و آگاهی خداوند، تأکید می‌کند که انسان‌ها از حقیقت درونی یکدیگر باخبر نیستند و نمی‌دانند که چه کسی باتقواتر و بافضیلت‌تر است. پس همگان باید برای رشد روزافزون صفات شایسته خود تلاش کرده، از هر تفاخر و خودبینی اجتناب کنند.

متأسفانه در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم که افراد مختلف به بهانه جنسیت، حقوق ویژه‌ای برای خود قائل شده و اجازه ارتکاب برخی خطاها را به خود داده‌اند؛ حال آنکه هرکدام از این دو جنسیت، ارزشمندی خاص خود را دارند و تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد صرفاً به جهت نقش‌های متفاوت آنان در نظام خانواده و اجتماع است. در ملاک قرآنی، برتری به تقوا و علم و تلاش انسان‌هاست^۱ و هیچ‌گونه برتری برای جنسیت خاصی در نظر گرفته نشده است. از نگاه قرآن، زنان و مردان در مسیر کسب فضایل اخلاقی، دوشادوش یکدیگر حرکت می‌کنند و هر دو توانایی فتح تمامی قله‌های رفیع انسانیت را دارند. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به انسان‌ها می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾

(و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد، خواه مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود و کمترین ستمی به او نخواهد شد.)
در این آیه شریفه، فقط و فقط دو ملاک برای ورود انسان‌ها به بهشت و دریافت پاداش الهی بیان شده است. پس هر انسانی که با نیتی پاک، اعمالی شایسته انجام دهد، خداوند متعال پاداش او را پرداخت می‌کند و کوچک‌ترین ظلمی نیز به او وارد نخواهد ساخت.

در عصر حاضر، دشمنان اسلام با تبلیغات گسترده‌ای تلاش می‌کنند این باور غلط را گسترش دهند که مکتب اسلام توجه ویژه‌ای به مردان کرده و درجاتی از فضایل را مخصوص آنان قرار داده است. این نوع تفکر در صدر اسلام نیز بر اثر برخی سوء تفاهم‌ها و بقایای فکری جاهلیت در رفتار گروهی از مردان، برای عده‌ای از زنان

۱: نک: حجرات، ۱۳؛ نساء، ۹۵.

۲: نساء، ۱۲۴.





ایجاد شد که خداوند متعال با نزول آیه ۳۵ سوره مبارکه احزاب، پاسخ این زنان مؤمن را به زیباترین شکل ممکن مشخص فرموده است. ماجرا از آنجا شروع شد که اسماء با همسر بزرگوار خود جعفر بن ابی طالب از حبشه به خدمت پیامبر رسیدند. این زن در گفت و گو با همسران پیامبر به سؤالی برخورد که پاسخ آنان او را قانع نکرد؛ لذا خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسیده و عرض کرد: «یا رسول الله، آیا درباره زنان، نصیب و بهره‌ای در قرآن وجود دارد؟» در این حال جبرئیل امین نازل شد و آیه ۳۵ احزاب را بر پیامبر نازل فرمود. در این آیه، ده صفت با ده عنوان به صورت صیغه مذکر و صیغه مؤنث مطرح شده است تا هر شائبه تفاوت بین دو جنسیت، به طور کامل برای مردم برطرف شود:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱

(به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان باخشوع و زنان باخشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.)

کمال اول، اسلام آوردن و تسلیم خداوند بودن است. سپس ایمان حقیقی و باور راستین در جان آدمی شکل می‌گیرد. این ایمان باید دوام و ثبات داشته باشد تا انسان را به اوج برساند؛ لذا مرحله سوم قنوت است. یک معنای قنوت استمرار است. نشانه دوام و ثبات ایمان، صداقت است. برای ماندگاری این صداقت، صبر و تحمل لازم است و برای حفظ ایمان از تکبر و غرور، به خشوع و تواضع نیاز است. سپس با صدقه، ایمان در عمل آدمی جلوه پیدا می‌کند و با روزه‌داری و کنترل شهوات، ایمان ارتقا می‌یابد. در نهایت، اوج کمال با یاد همیشگی خداوند در قلب و جان و

۱ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۱.
۲ احزاب، ۳۵.

زبان انسان شکل می‌گیرد. در اینجاست که خداوند، مغفرت و پاداش عظیم خود را برای مردان و زنانی که در این مراحل ده‌گانه تعالی و تکامل، پایه پای یکدیگر صعود کرده‌اند، آماده کرده است.^۱

● نقش‌های متفاوت، راز پایداری خانواده

انسان‌ها برای پخت و پز اقدام به تولید ظرف کردند؛ ظرف‌هایی که به کمک آن‌ها بتوانند غذای خود را طبخ کنند. اما به تدریج و بر اساس گسترش نیازها، ظروف مختلف با اشکال و ویژگی‌های گوناگون تولید شد. گاهی اوقات هدف از ساخت یک ظرف، تهیه غذای چندصد نفر بود. در این حالت، دیگ‌های بزرگ مسی با استحکام فراوان تولید شدند. این دیگ‌ها شاید زیبایی و لطافت چندانی نداشته باشند؛ اما تحمل وزن سنگین غذا و حرارت زیاد اجاق را دارند. گاهی هدف از ساخت ظروف، قراردادن غذای یک مهمان بسیار گران قدر بود. در این صورت، ظروف کریستال در نهایت ظرافت و زیبایی طراحی شدند. این ظروف تحمل فشار و وزن زیاد یا حرارت بالا را ندارند؛ اما به سبب زیبایی و ظرافت خود، جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان‌ها کسب کرده‌اند.

همان‌طور که هدف از تولید تمام ظروف، پخت و پز و تهیه غذا بوده، هدف خلقت تمام انسان‌ها اعم از زن و مرد یکسان بوده است و قرار بوده همه با بندگی خداوند، به رشد و کمال دست یابند. در این میان، برای انجام وظایف مختلف، ویژگی‌های انسان‌ها با کمی تفاوت شکل گرفته است. گاه قرار بوده برای قبول مسئولیت‌های سنگین اجتماعی و تأمین هزینه‌های خانواده، افرادی در نظر گرفته شوند. طبیعی است که در این حالت، از حساسیت‌ها و ظرافت‌ها و احساسات کاسته و بر توانایی تحمل نامایمات و قدرت و توان جسمی تکیه خواهد شد. به همین دلیل، مردان عمدتاً هدف‌گرا هستند و حساب و کتاب‌های منطقی را بر احساسات ترجیح می‌دهند. اما هنگامی که قرار است نقش حفظ و تقویت خانواده و تربیت فرزندان شایسته، بر عهده جنس زن قرار گیرد، باید احساسات او دوچندان شود و لطافت‌ها و زیبایی‌های جسمی و روحی‌اش فزونی یابد. طبیعی است که در این حالت، توان و تحمل جسمی و قدرت بدنی، از اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود.

۱: نک: محمدعلی انصاری، زن از منظر قرآن، ص ۶۹ تا ۷۱.





با مثال ذکرشده در ابتدای این قسمت، کاملاً مشخص است که هیچ‌یک از تفاوت‌های زن و مرد، نشان از کوچک‌ترین برتری یک جنس بر جنس دیگر نیست؛ بلکه این تفاوت‌ها صرفاً به دلیل نقش‌های متفاوت آنان است. خدای متعال که خالق انسان است و به تمام توانمندی‌های او آگاهی داشته است و راه‌های رسیدن به سعادت و شقاوت او را می‌داند، هریک را برای نقشی انتخاب کرده و ابزارهای لازم برای آن نقش را نیز به او داده است.

تصور کنید یک دیگ مسی بزرگ از اینکه در دکور منزل شما جایی ندارد، گله کرده، ادعا کند حقوق مسلم او زیر سؤال رفته است! یا لطف کریستال زیبایی از اینکه اجازه ندارد بر روی دمای بسیار بالا قرار بگیرد، ناراحت شود و شما را متهم به تبعیض کند! خدای متعال، جنس لطیف زن را برای مسئولیت‌های سنگینی چون جهاد مناسب ندانسته و او را از این واجب شرعی معاف کرده است تا او بتواند با قلب مهربان خود در پشت جبهه‌ها به مداوای مجروحان و تربیت فرزندان صالح برای آیندهٔ مرز و بوم بپردازد. پس وظایف اجتماعی متفاوت زنان و مردان نشان برتری یکی بر دیگر نیست.

روزی گروهی از زنان به نزد پیامبر آمدند و گفتند: «ای پیامبر خدا، مردان ثواب جهاد در راه خدا را از آن خود کرده‌اند و دیگر عملی برای ما نمانده است که با آن به [فضیلت] عمل مجاهدان در راه خدا دست یابیم.» پیامبر فرمودند: «کار و زحمت هریک از شما در خانه‌اش، با عمل مجاهدان در راه خدا برابری می‌کند.»^۱ پس باز هم تأکید می‌کنیم همان طور که مربی، هر بازیکن را بر اساس توانمندی‌های ذاتی خود در پست‌های مختلف تیم به کار می‌گیرد، خداوند متعال هر جنس را بر اساس توانمندی آن جنس در نقش‌های مختلف قرار داده است و بر اساس کیفیت انجام وظایف، به آنان اجر و پاداش می‌دهد.

● جایگاه مردان در نظام خانوادهٔ شایسته

پس از آنکه در بخش اهداف ازدواج، خانواده را به تیمی تشبیه کردیم که هدف آن رشد و کمال است، لازم است برای این تیم ارزشمند، کاپیتان و سرپرستی نیز انتخاب کنیم تا مسئولیت آنان را بر عهده بگیرد و اعضای تیم را در رسیدن به

۱- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۰۹، حدیث ۴۵۱۴۶؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۰۵؛ میزان الحکمة.

اهداف مشخص شده یاری کند. خداوند متعال مردان را برای این منظور انتخاب فرموده و وظایفی از جمله تأمین نیازهای مالی خانواده را نیز برعهده آنان قرار داده و فرموده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾

(مردان سرپرست و نگهدارنده زنان هستند.)

در این آیه، کلمه «رجال» با الف و لامی که در ابتدای آن آمده است، اشاره به جنس مردان است و نه یک مرد؛ یعنی جنس مردان نسبت به جنس زنان قوام هستند. «قوام» از ماده قیام و قوم می آید. کلمه قوام بر وزن فعال بوده، صیغه مبالغه است. قوام کسی است که مسئولیتی را قبول کند و توانایی این را داشته باشد که بازوی فردی دیگر را نیز بگیرد و او را در کنار خودش بلند کند و ایستاده نگاه دارد.^۲ پس در واقع مردان بعد از آنکه قائم شدند و توانستند امور خود را به خوبی مدیریت کنند، باید بازوی انسان دیگری را نیز بگیرند و مسئولیت اداره زندگی او را برعهده گیرند.

در این آیه شریفه، خداوند متعال مسئولیت سرپرستی خانواده را به صورت رسمی به مردان واگذار می کند. اما با توجه به توضیحات ذکر شده مشخص می شود مقصود از واگذاری این مسئولیت، استبداد یا اجحاف و تعدی به حقوق زنان نیست؛ بلکه منظور، رهبری واحد با توجه به مسئولیت ها و براساس مشورت و همفکری برای تحقق اهداف خانواده است. این مسئله در دنیای امروز بیش از هر زمانی روشن است که اگر هیئتی، حتی یک هیئت دوفره، مأمورانجام کاری شود، حتماً باید یکی از آن دو، مسئول و سرپرست و دیگری معاون و همیار او باشد. در غیر این صورت، هرج و مرج به وجود خواهد آمد. البته در این آیه، خداوند متعال حکمت انتخاب مردان به عنوان سرپرست را نیز بیان فرموده است.^۳

دلیل اول ترجیح قدرت تفکر بر احساسات در مردان است. اما احساسات بانوان برای تربیت فرزندان شایسته و تأمین آرامش خانواده غلبه دارد و احساسات در آنان بیشتر و زیباتر است. به همین دلیل، امور خشک و بی روحی مانند مدیریت و تصمیم گیری های اقتصادی برای مردان مناسب تر است.

۱: نساء، ۳۴.

۲: زن از منظر قرآن کریم، ص ۱۳۳.

۳: نک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۷۰.





همچنین مردان به جهت قدرت و نیروی جسمی بیشتر، مسئولیت دفاع از حریم خانواده را نیز بر عهده گرفته‌اند. به علاوه تعهد مرد در برابر زن و فرزندان برای پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهریه و تأمین زندگی آبرومندانۀ همسر و فرزند، این حق را به مردان می‌دهد که وظیفه سرپرستی خانواده را بر عهده بگیرند: «وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». در پایان بحث، برای جمع‌بندی نکات مطرح‌شده، به سخنی از فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کنیم:

«اسلام مرد را قوام و زن را ریحان می‌داند. این نه جسارت به زن است، نه جسارت به مرد؛ نه نادیده‌گرفتن حق زن است و نه نادیده‌گرفتن حق مرد؛ بلکه درست‌دیدن طبیعت آن‌هاست. ترازوی آن‌ها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم و این جنس مدیریت و کارکرد و محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازوی می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن.»^۱

ویژگی‌های همسران بهشتی

نکته بسیار مهم این آیه است که خداوند متعال متناسب با تقسیم وظایف در خانواده، وظایفی را بر عهده مردان نهاده است که به بخشی از آن اشاره شد. همچنین وظایفی را نیز بر عهده زنان به عنوان یار و همراه مردان در خانواده و کانون عشق و محبت و مودت قرار داده است. در این بخش، وظایف زن در قبال خانواده و همچنین ویژگی‌های زنان و همسران شایسته، بر اساس آیات قرآن کریم تشریح خواهد شد.

● قبول جایگاه همسر در خانواده

با تعیین مرد به عنوان سرپرست خانواده، وظایف جدیدی بر عهده مرد و زن قرار می‌گیرد. اولین وظیفه بر عهده مردان است. آنان وظیفه دارند با تقویت قدرت تصمیم‌گیری و استقلال در اندیشه، اعتماد اعضای خانواده را جلب کنند و با تصمیمات شایسته، آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی کنند.

^۱ بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقد، ۲۲ اسفند ۱۳۷۸.

پس زنان نیز مسئولیت دارند با قبول مدیریت همسر خود، وزیر و مشاور دلسوز برای او باشند و او را در انجام شایسته مسئولیتش یاری کنند. لذا زنان برای پیشبرد اهداف خانواده، باید در امور خانه و خانواده به نظرهای همسر خود احترام بگذارند و حرکت تیمی خود به سمت کمال را سرعت بخشند. خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ﴾

(پس زنان صالح و شایسته، فرمان بردار و خاشع هستند.)

زنان صالح کسانی هستند که به صلاح می‌اندیشند و به فکر فساد نیستند. آنان بهترین عملکرد و رفتار حسن و شایسته‌ای دارند. آنان که در برابر خداوند، خاشع و قانت هستند، در خانواده نیز خاضع و متعهدند.

نکته بسیار مهمی که باید به آن اشاره کرد، این است که حکم سرپرستی مرد بر خانواده، به جنس مردان اختصاص یافته است و این تفویض مسئولیت، اشاره‌ای به میزان صلاحیت مرد ندارد. گاهی برخی زنان، برای توجیه همکاری نکردن با همسر در خانواده، از ضعف او در تصمیم‌گیری و استقلال‌نداشتن و مشکلاتی از این دست یاد می‌کنند. واقعیت این است تا زمانی که این خانواده وجود داشته باشد و نظام آن پابرجاست، مرد مسئولیت حفظ آن را خواهد داشت. اگر شوهر در نهایت عقل و اندیشه تصمیم بگیرد و با بهترین شکل و کیفیت، کارهای خود را انجام دهد و بهترین و بی‌نقص‌ترین مدیریت ممکن را در خانواده بکند، اطاعت از او کار سختی نیست و به تأکیدهای خداوند و تعیین اجرو پاداش در برابر قبول این مدیریت نیاز نبوده است. همیشه به یاد داشته باشیم در حرکت تیمی، برای موفقیت لازم است تمام اعضای آن تیم از کاپیتان و مسئول تیم تبعیت کنند؛ حتی اگر او نواقصی داشته باشد. در غیر این صورت، دیگر محیطی به نام خانواده وجود نخواهد داشت. البته در این حالت، شایسته است به همسر خود به صورت غیرمستقیم و به‌گونه‌ای که اقتدار او آسیب نبیند، راه صحیح و شایسته را نشان دهیم و به او برای مدیریت کارآمد، یاری برسانیم. نکته درخور توجه این است که این رفتار شایسته ما در برابر همسر، آموزش عملی به فرزندان برای اطاعت و احترام گذاشتن به والدین و بزرگ‌ترها نیز هست.



● محافظت از خود و خانواده

نکته دوم در آیه شریفه، حفظ خود و خانواده در حضور و غیاب همسر است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾

(و در غیاب [همسر خود]، اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند).^۱

زنان صالح و جودشان را در تمام جهات حفظ می‌کنند. برای آنان مهم نیست که در حضور همسرانشان باشند یا نه؛ آنان وجود خود را با همان اصول و راهکارهای ایمان و تقوایی که خداوند در زندگی مقرر کرده است، حفظ می‌کنند.^۲ مصادیق حفاظت زنان در خانواده از این قرار است:

● حفاظت از اسرار خانواده

یکی از مصادیق مهم حفاظت در خانواده، حفظ اسرار و رازهای زناشویی و خانوادگی است. همان طور که ما دوست نداریم مسائل خصوصی مان به بیرون از خانواده درز کند، شوهرمان نیز از این کار خشنود نخواهد شد. خانم‌ها بسیاری اوقات دوست دارند مشکلات خود را با دیگران مطرح کنند و از این طریق، با ابراز همدردی دیگران خشنود می‌شوند و آرامش می‌یابند. اما مردان دوست دارند مشکلات را خود به تنهایی حل کنند. آنان ترجیح می‌دهند به تنهایی برای مشکلاتشان راه‌حلی پیدا کند و علاقه‌ای به دریافت کمک و اظهار تأسف و همدردی دیگران ندارند. به همین دلیل هم حفظ اسرار خانواده برای آنان بسیار مهم است. پس مراقب باشیم در هنگام درد دل کردن یا صحبت‌های صمیمانه با دوستان و نزدیکان، فقط درباره‌ی مسائلی صحبت کنیم که صرفاً درباره‌ی خود ماست و منجر به ناراحتی همسرمان نمی‌شود.

رازداری در واقع یکی از صفات مؤمنان حقیقتی است و هرکس در جامعه موظف است در حفظ اسرار دیگران کوشا باشد. به عنوان نمونه‌ای عینی، در آیه ۳ سوره مبارکه تحریم، خداوند متعال بعضی از همسران پیامبر را برای ترک رازداری شدیداً سرزنش کرده و آنان را به توبه و اصلاح رفتار خویش دعوت کرده است.^۳

۱. نساء، ۳۴، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۲. زن از منظر قرآن کریم، ص ۱۳۵.

۳. برای مطالعه بیشتر نک: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۳ تا ۲۹۷.



امام متقین، امیرمؤمنان علی علیه السلام در حدیثی گران سنگ می فرماید:
«تمام خیر دنیا و آخرت در این دو چیز نهفته شده است: کتمان سر و دوستی با
نیکان. تمام شر نیز در این دو چیز نهفته شده است: افشای سر و دوستی با اشرار.»^۱

● محافظت از اموال و دارایی های خانواده

با خواندن خطبه عقد بین دختر و پسر، رابطه آنان به پیوندی عاشقانه و قوی
تبدیل می شود. دیگر «من» از بین می رود و فقط یک «ما» وجود خواهد داشت. پس
بسیار ضروری است که زن و مرد، امنیت مالی یکدیگر را حفظ کرده و با وجود احترام
به حق مالکیت هر نفر بر اموال خود، برای تقویت مالی یکدیگر سعی کرده، با نهایت
دلسوزی رفتار کنند. همچنین بسیار پسندیده است که به دلیل قرارگرفتن وظیفه
تأمین نیازهای اقتصادی خانواده بر دوش مردان، زنان نیز درباره هزینه های منزل
با شوهر خود هماهنگی کنند.

● تأمین نیازهای جنسی همسر

یکی از وظایف قطعی و مسلم زن و مرد در خانواده، تأمین نیازهای جنسی همسر
بدون قید و شرط است. خداوند حکیم با قراردادن نیاز جنسی در وجود انسان ها،
میل به تشکیل خانواده و تولید نسل را در آنان شعله ور ساخته و ارتباط زناشویی را
عامل تحکیم بنیاد خانواده قرار داده است. تأمین شایسته این نیاز، در حفظ سلامت
و پاکی خانواده تأثیر چشمگیری دارد و می تواند مانع ورود بسیاری از آلودگی های
جامعه و به خصوص فضای مجازی در محیط خانواه شود. رهبر معظم انقلاب در
این خصوص می فرماید:

«اسلام همین غریزه جنسی را پشتوانه بنای خانواده قرار داده است؛ یعنی وسیله
استحکام خانواده قرار داده است. یعنی چه؟ یعنی وقتی زن و مرد عقیف اند و متدین
و خداترس اند و طبق دستور اسلام، از گناه در باب غریزه جنسی اجتناب می کنند،
طبعاً نیاز زن و مرد به یکدیگر در این مورد بیشتر خواهد شد. وقتی به هم زیادتیر
احتیاج داشتند، این بنای خانواده که پایه اصلی اش زن و مرد است، مستحکم تر
خواهد شد.»^۲

۱: سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶۹، ماده «کتم»؛ تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۷.
۲: بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقد، ۹ اسفند ۱۳۸۰.





«اسلام می خواهد این پشتوانه را از خانواده نگیرد. اسلام می خواهد این انسان ها بیرون از محیط خانواده، این غریزه را اشباع نکنند تا نسبت به خانواده بی قید و بی اعتنا و لابلالی بشوند. لذاست که جلوی راه را سد می کند.»^۱

خداوند متعال در آیه ۲۲۲ سوره بقره، پس از توجه به حالات جسمی و روحی زنان و دستور دادن به اجتناب از روابط جنسی در دوران عادت ماهیانه به دلیل رنجش خاطر روحی و جسمی زن، ارتباط پس از پاک شدن بر اساس شیوه صحیح و بر اساس تعالیم دینی را توصیه می فرماید:

﴿... فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾^۲

(... و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید.)

در این آیه، خداوند متعال تأکید می فرماید که رابطه خصوصی زناشویی، با وجود اینکه از لوازم زندگی و از حوایج جسمی و روحی انسان است، باید در چهارچوب آداب و اخلاق پسندیده شکل بگیرد تا هر دو، از آن بهره مند شوند و منجر به گرمی روابط و نه ناراحتی و دلخوری شود.

● ضرورت و چرایی تأمین نیازهای همسر

از منظر روان شناسی، زنان عواطف شدید دارند و مردان عشق ورز هستند. به همین سبب، در ارتباط زناشویی اولویت بانوان تأمین نیازهای روحی و روانی و دریافت عشق و محبت است و اگر رابطه ای بدون احساسات و عواطف داشته باشند، لذت چندانی نخواهند برد. اما برای مردان، تأمین نیاز جنسی در اولویت است و در صورت تأمین نشدن این نیاز، تحمل اوضاع زندگی برای آنان بسیار سخت می شود. لذا در صورتی که بنیان خانواده برای شما ارزشمند است و می خواهید همسر شما از زندگی کردن با شما احساس آرامش و خشنودی کند، در تأمین نیازهای او کوتاهی نکنید.

● به هیچ عنوان برای روابط زناشویی پیش شرط تعیین نکنید

یکی از اشتباهاتی که در جریان مشاوره ها با آن برخورد می شود، این است که گاهی یکی از طرفین برای روابط زناشویی با همسر خود، شرط تعیین می کند و تحقق آن را

^۱ بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه عقد، ۱۸ اسفند ۱۳۷۶.
^۲ بقره، ۲۲۲.

مشروط به رسیدن به خواسته های خود می کند. این یکی از رفتارهای بسیار اشتباه است که منجر به سردمزاجی، تنفر از رابطه با همسر، کاهش عواطف در خانواده و حتی خیانت می شود. پس به یاد داشته باشیم این رابطه مقدس، بخشی از زندگی مشترک است و هیچ پیش شرطی برای آن، پذیرفته نیست.

● لباس یکدیگر باشیم

یکی از تشبیه های زیبای قرآنی که نکات بسیار ارزشمندی را در روابط خانواده مطرح می کند، تشبیه همسران به لباسی برای یکدیگر است. خداوند متعال می فرماید:

﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾

(زنان لباس شما هستند و شما لباس آن ها هستید. [هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید.])

از نگاه قرآن کریم، زن و مرد باید برای یکدیگر همانند لباس باشند. این تشبیه زیبا، در عین سادگی و اختصار، مؤلفه های اساسی را در تعاملات خانوادگی برای قبل و بعد از ازدواج تعیین می کند. مهم ترین نکته ای که از این آیه در خصوص موقعیت مناسب دختر و پسر برای ازدواج مشخص می شود، کفویت دختر و پسر است؛ یعنی دختر و پسر همان طور که قبل از خرید لباس، اندازه و مدل و طرح آن را بررسی می کنند تا برای آنان مناسب باشد و با اوضاع روحی و سلیقه فردی و جایگاه اجتماعی آنان همخوانی داشته باشد، در انتخاب همسر نیز باید به موقعیت خود و خانواده خود و طرف مقابل دقت کنند و همسری شایسته و هم کفو با خود را انتخاب کنند. نکته شایان توجه این است که ملاک های این آیه شریفه، فقط به شناسایی همسر شایسته اشاره نمی کند؛ بلکه الگوی صحیح رفتاری زن و مرد را نیز در طول زندگی مشترک مشخص می کند.

لباس مناسب حداقل باید سه ویژگی بسیار مهم داشته باشد تا بتوانیم از آن لباس استفاده کنیم. ممکن است ویژگی های بسیار دیگری نیز برای لباس خوب مطرح باشد؛ اما بدون شک نبود این سه ویژگی که مستقیماً در آیات قرآن به آن ها اشاره شده است، ارزشمندی لباس را از بین خواهد برد.



● محافظت در برابر آسیب‌ها

اولین ویژگی ضروری لباس، محافظت از انسان در برابر سرما و گرما و تابش مستقیم آفتاب و جلوگیری از وارد آمدن جراحات است. خداوند متعال به زیبایی، این ویژگی لباس را در سوره نحل بیان کرده است:

﴿... وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَائِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَائِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ﴾^۱...

(و برای شما پیراهن‌هایی آفریده است که شما را از گرما [و سرما] حفظ می‌کند و پیراهن‌هایی که هنگام جنگ [و در سختی‌ها] حافظ شماست.)

در این آیه شریفه و به دنبال یادآوری نعمت‌های بی‌کران الهی، خداوند به نعمت لباس اشاره کرده است که منجر به حفظ انسان در سرما و گرما می‌شود و انسان را در برابر مشکلات و جراحات حفظ می‌کند. این قابلیت حفظ‌کنندگی لباس، در مشاغل و صنعت‌های مختلف کاملاً نمایان است. هر شغلی متناسب خود، لباس مخصوصی دارد تا فرد در برابر خطرهای احتمالی آن شغل حفظ شود. لباس مخصوص آشپزی با لباس نجار کاملاً متفاوت است و لباس کارگر معدن، قطعاً ضخامت بیشتری خواهد داشت تا مانع وارد آمدن جراحات به بدن او شود.

خداوند متعال وظیفه لباس بودن را به‌طور یکسان بر عهده زن و شوهر قرار داده و به هر دو مسئولیت نگهداری یکدیگر را واگذار کرده است. پس مرد باید زن خود را از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی حفظ کند و زن نیز باید حافظ حریم شوهر خود باشد تا آسیبی در اجتماع به او وارد نشود. زن با قدرت عاطفی خود می‌تواند همسر خود را از خطاها حفظ کند. اگر محیط خانواده آرام و پرمهر بوده، فضایی عاشقانه بر خانه حاکم باشد، مرد به زندگی خود دلگرم می‌شود و از رفتارهای ناهنجار اجتناب خواهد کرد. بدون شک یکی از دلایل اصلی خیانت مردان یا بی‌میلی آنان به حضور در خانه، تأمین نشدن نیازهای عاطفی در خانواده است. بانوان با ویژگی‌های عاطفی خود به راحتی قادر هستند اعضای خانواده را با محبت در کنار یکدیگر قرار دهند و گرمابخش روابط باشند. به دلیل همین توانمندی‌ها و ویژگی‌های زنان است که خداوند متعال زنان را عامل آرامش خانه معرفی می‌کند:

﴿تَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^۲ (تا در کنار آنان آرامش یابید.)

۱. نحل، ۸۱.

۲. روم، ۲۱.



● پوشش

دومین ویژگی بسیار مهم لباس، پوشانندگی آن است. اگر بر روی بازوی ما لکه‌ای وجود داشته باشد که از زیبایی ما به شدت بکاهد، در این صورت مراقب خواهیم بود حتماً لباس‌های آستین بلند بپوشیم تا این لکه از دید دیگران پنهان بماند. به همین سبب است که خداوند خطاب به انسان‌ها می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا﴾

(ای فرزندان آدم، به راستی ما برای شما لباسی فرو فرستاده‌ایم که هم زشتی‌های شما را می‌پوشاند و هم زینت شماست.)^۱

زن و شوهر در خانواده اسلامی وظیفه دارند تمام تلاش خود را برای رشد و اصلاح یکدیگر به کار گیرند؛ اما همیشه امکان اصلاح تمام عیوب وجود ندارد و ضمناً فرایند اصلاح رفتارهای غلط انسان‌ها، فرایندی زمان‌گیر است و به تدبیر و حوصله فراوان نیاز دارد. پس بسیار ضروری است که ابتدا عیوب همسر خود را بپوشانیم و سپس به دنبال اصلاح او باشیم.

بسیاری از اوقات در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی، مشاهده می‌شود همسران به راحتی از عیب همسر خود سخن می‌گویند یا برخی اوقات آن‌ها عیوب فرزندان خود را در حضور دیگران مطرح می‌کنند و متأسفانه گاهی آن عیوب را مسخره نیز می‌کنند. در این حالت، با آسیب رسیدن به شخصیت طرف مقابل، امکان اصلاح او از بین می‌رود و او به تکرار خطای خود ترغیب خواهد شد.

ریشه این رفتار غلط در باوری اشتباه نهفته است. این افراد گمان می‌کنند با انتقاد کردن از همسر یا فرزند خود، او را از اشتباه خود آگاه می‌سازند و وی را برای اصلاح خودش ترغیب می‌کنند؛ در حالی که اولین اصل در پذیرش سخن دیگران، اعتماد به خیرخواه بودن نصیحت‌کننده است. طرف مقابل باید مطمئن شود خیر و صلاح او را می‌خواهیم و قصد ما از انتقاد، موفقیت و رشد خود اوست؛ نه کسب منافع برای خودمان. به همین دلیل اگر به جای پوشاندن عیوب، آن‌ها را آشکار سازیم، احتمال اصلاح کردن را تقریباً به صفر رسانده‌ایم. پس باید تمام تلاش خود را برای پوشاندن عیوب همسر و فرزندان و دوستان خود به کار بگیریم.

۱. اعراف، ۲۶، ترجمه ابوالفضل بهرام پور.



• زینت و آراستگی

سومین هدف انسان‌ها از انتخاب لباس، زینت و آراستن است. همه ما هنگام خرید لباس، سعی می‌کنیم زیباترین لباسی را انتخاب کنیم که عیوب ما را می‌پوشاند و ما را از خطرهای احتمالی محیط حفظ می‌کند. آراستگی و زیبایی لباس برای ما آن قدر اهمیت دارد که حاضریم هزینه‌های زیادی برای زیباتر شدن لباس‌های خود بپردازیم. خداوند متعال ویژگی دیگر لباس را «تزیین» معرفی کرده است:

﴿قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سِوَاتِكُمْ وَ رِيشًا﴾

(لباسی برای شما فرستادیم که شما را می‌پوشاند و موجب زینت و آراستگی شما می‌شود.)

طبق فرمایش قرآن، زن و شوهر باید یکدیگر را زینت دهند و مایه فخر و مباهات یکدیگر باشند. آن‌ها باید تلاش کنند موجب تزیین و آراستگی همسر خود باشند؛ نه موجب خجالت و سرافکندگی او. در این قسمت، به چند راهکار برای تزیین همسر اشاره می‌کنیم.

• کمک به آراستگی ظاهری همسر

همان طور که در بیان تفاوت‌های فردی زن و مرد مطرح می‌شود، خانم‌ها قدرت تشخیص رنگ‌های بیشتری را در مقایسه با مردان دارند و با توجه به شدت عواطف در آنان، معمولاً توانایی و حوصله بیشتری برای انتخاب لباس‌ها و رنگ‌ها به‌گونه‌ای چشم‌نواز و زیبا دارند. پس بسیار شایسته است خانم‌ها از این قدرت خود برای آراستگی همسرشان بهره بگیرند.

• کمک به آراستگی محیط خانه

کمک همسر در محیط خانواده برای ایجاد نظم و آراستگی آن، نه تنها باعث ایجاد آسایش و رفاه خانواده می‌شود، بلکه خداوند متعال نیز پاداش چشمگیری برای این زحمات عطا می‌فرماید. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هر زنی که در خانه شوهر خود، به قصد مرتب کردن و اصلاح آن چیزی جابه‌جا



کند، خداوند به او نگاه می‌کند و خدا به هرکس نگاه کند، عذابش نخواهد کرد.»^۱
پس به برقراری نظم در خانه و آراسته‌سازی آن به‌عنوان کاری کوچک و بی‌اهمیت نگاه نکنیم؛ بلکه آن را کاری بدانیم که موجبات نگاه پُرمهر و سراسر رحمت خداوند را فراهم می‌سازد.

● کمک به آراستگی معنوی همسر

همان‌طور که در ابتدای کتاب گفته شد، هدف از ازدواج تکامل و رشد و حرکت سریع‌تر به سمت کمال و بندگی خداوند است. پس وظیفهٔ زنان و مردان این است که با یاری رساندن به یکدیگر برای کسب صفات اخلاقی شایسته، یکدیگر را تزیین کنند. زن و مرد باید باور کنند سرنوشت آنان به یکدیگر گره خورده است و سعادت و شقاوت هریک مستقیماً بر دیگری نیز تأثیر خواهد گذاشت. پس باید در لغزشگاه‌ها مراقب یکدیگر باشیم و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، به همسر خود کمک کنیم تا از خطاها دوری کند و سپس اشتیاق حرکت به سمت اعمال شایسته را در او ایجاد کنیم. یکی دیگر از روش‌های تزیین معنوی همسر، همراهی و همدلی برای انجام وظایف شرعی است. در جریان زندگی مشترک، بسیاری اوقات برای پیشرفت یکی از اعضای خانواده، لازم است دیگران به او کمک کند و زمینه‌های لازم برای رشد او را فراهم آورند. در چنین حالتی، علاوه بر اینکه کمک ما منجر به رشد خانواده و تعالی همسر می‌شود، از منظر خداوند متعال نیز ارزشمند است و شایستهٔ دریافت پاداش‌های فراوانی است. به همین دلیل است که پیامبر رحمت ﷺ در بیانی زیبا می‌فرماید:

«هر زنی که شوهرش را در کار حج و جهاد یا علم‌آموزی کمک کند، خداوند به او از همان پاداشی می‌دهد که به همسر ایوب داده است.»^۲

● اظهار محبت و عشق‌ورزی به همسر

معمولاً در بیان تفاوت‌های روحی زنان و مردان، همیشه محبت نیاز اصلی بانوان معرفی می‌شود؛ اما باید توجه کنیم که این حقیقت به معنای نیازنداشتن مردان

۱: امالی صدوق، ص ۴۹۶، حدیث ۶۷۸؛ امالی طوسی، ص ۶۱۸، حدیث ۱۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۶، حدیث ۱.

۲: مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۹، حدیث ۱۵۰۶.



به دریافت محبت نیست. همیشه به یاد داشته باشیم: تمام انسان‌ها در هر سن و موقعیتی، به دریافت محبت نیاز دارند.

در واقع تفاوت نیاز به محبت در زن و مرد، به میزان وابستگی آنان به این محبت و همچنین شیوه دریافت محبت بر می‌گردد. برای مردان، شنیدن واژه‌های محبت‌آمیز نیاز هرروزه نیست؛ اما آنان نیز دوست دارند به ایشان محبت شود. خداوند متعال در توصیف زنان بهشتی و بیان ویژگی‌های آنان، به صفت شوهردوستی و اظهار محبت به همسر اشاره می‌فرماید:

﴿عُرْبًا أَتْرَابًا﴾^۳

(زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش‌زبان و فصیح و هم‌سن‌وسال‌اند.)
«عُرْب» جمع «عروبه» به معنی زنی است که وضع و حالش از محبت او به همسر و مقام عفت و پاکی اش حکایت می‌کند؛ زیرا «إعراب» به معنی آشکار ساختن است. این واژه به معنی فصیح و خوش‌سخن بودن نیز می‌آید و ممکن است هر دو معنی در آیه جمع باشد.^۴ پس همسران بهشتی، «عُرْب» هستند؛ یعنی خندان و طناز و عاشق همسر و در برابر او فروتن‌اند.^۵

در نتیجه همسران شایسته در دنیا نیز باید علاوه بر داشتن عشق و محبت قلبی به همسر، محبت خویش را اظهار کنند و از زیبایی‌های کلام و آهنگ دل‌نواز صدای خود برای گرمابخشی به محیط خانواده استفاده کنند.

● مروراید در صدف

یکی دیگر از ویژگی‌های بسیار گران‌قدر زنان بهشتی، حیا و پاک‌دامنی آنان است. خداوند متعال زنان را در اوج زیبایی و جذابیت آفریده است و دوست دارد این زیبایی‌ها در جای خویش مصرف شود و با رعایت پوشش مناسب، تأثیری در روابط اجتماعی آنان با دیگران نگذارد؛ لذا زنان بهشتی را این چنین توصیف می‌کند:

﴿وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾

(حوریانی که در خیمه‌ها [ای بهشتی] پرده‌نشین هستند.)

۳. واقعه، ۳۷.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۳۴.

۵. تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۲۲۴.

۶. واقعه، ۲۲ و ۲۳.



«مکنون» به معنای «پوشیده» است و در اینجا منظور پوشیده بودن در صدف است؛ زیرا مروراید به هنگامی که در صدف قرار دارد و هنوز هیچ دستی به آن نرسیده است، در زیباترین و شفاف‌ترین حالت خود است. همچنین ممکن است این تعبیر اشاره به این معنی باشد که آن‌ها از چشم دیگران کاملاً مستور هستند؛ نه دستی به آنان رسیده و نه چشمی بر آن‌ها افتاده است.^۱ لذا زیباترین تعبیر برای زنان بهشتی، مروراید در صدف است که در عین زیبایی و درخشندگی، از دسترسی ناهلان در امان و از نگاه نامحرمان به دور هستند.^۲ پوشیدگی و حیا و عفت آن قدر ارزش بزرگی برای زنان محسوب می‌شود که خداوند متعال در آیات دیگری نیز پوشیدگی را صفت زنان بهشتی و حوریان معرفی کرده است. در سوره الرحمن می‌فرماید:

﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾^۳

(حوریه‌های که در خیمه‌ها پرده‌نشین هستند.)

● اخلاق شایسته و سیرت زیبا

در جوامع بشری امروز، معمولاً برای ارزش‌گذاری انسان‌ها، به زیبایی‌ها و کمالات ظاهری و مادی آنان توجه می‌کنند و نمره قبولی را به زیباترین‌ها و ثروتمندترین‌ها می‌دهند. این توجه به زیبایی‌های ظاهری، در برخی جوامع غربی شکل افراطی تری به خود گرفته است؛ تا جایی که به ملاک اصیل برتری زنان تبدیل شده است. به همین سبب است که متأسفانه هرساله در جهان شاهد انتخاب زن نمونه سال صرفاً بر اساس زیبایی هستیم.

اما مکتب اصیل اسلام پیش از توجه به زیبایی ظاهری، سیرت و باطن زیبا را ارج نهاده است و ارزش واقعی انسان‌ها را بر اساس پاکی و احسان آنان تعیین می‌فرماید. به همین دلیل است که امیرمُلک کلام مولانا امیرمؤمنان علیه السلام در حکمتی زیبا می‌فرماید:

﴿قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.﴾^۴

(قیمت هرکس، به میزان کارهای نیک اوست.)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۳۶.

۲- تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۴۲۰.

۳- الرحمن، ۷۲.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۸۱.



بر همین اساس خداوند متعال عالی‌ترین پاداش‌ها را برای این مؤمنان حقیقی که اهل خیر و احسان هستند، تعیین فرموده و هم‌نشینی با زنان پاک‌سیرت را روزی آنان کرده است:

﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ﴾

(در آن باغ‌ها زنانی نیکوسیرت و زیباصورت هستند.)

زنان بهشتی جمع میان «حُسن سیرت» و «حُسن صورت» کرده‌اند؛ چراکه «خیر» غالباً دربارهٔ صفات نیک و جمال معنوی به کار می‌رود و «حُسن» غالباً در زیبایی و جمال ظاهر.^۲

چکیده‌ای از اوصاف زنان شایسته در یک آیه از قرآن این چنین است: خداوند متعال در سورهٔ تحریم پس از بیان داستان افشای راز پیامبر توسط برخی از زنان ایشان، به آنان هشدار می‌دهد در صورت توبه نکردن و ادامهٔ رویهٔ غلط در برخورد با پیامبر، خداوند همسرانی بهتر از شما را با شش ویژگی ممتاز جانشین شما خواهد کرد؛ لذا این شش ویژگی عصاره‌ای از صفات زیبای زن شایسته است:

﴿... مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا﴾^۳

(... همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عابد، هجرت‌کننده، زانی غیرباکره و باکره.)

اولین ویژگی زن شایسته، اسلام و تسلیم در برابر اراده و خواست الهی است. سپس به ایمان، یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کرده باشد، اشاره می‌فرماید. در مرحلهٔ بعد، خداوند به حالت قنوت و تواضع و اطاعت از همسر اشاره می‌کند و بعد از آن، توبه را از ویژگی‌های زن شایسته می‌داند؛ یعنی اگر کار خلافی از او سرزند، در اشتباه خود اصرار نمی‌کند و در صدد جبران و اصلاح خویش خواهد بود.

پس از آن، به عبادت خداوند اشاره شده است؛ عبادتی که روح و جان او را زینت می‌دهد و آن را پاک می‌کند. جلوهٔ عملی این عبادت اطاعت از فرمان خداست و منجر به پرهیز از ارتکاب گناهان می‌شود. برخی مفسران «سائحات» را جمع سائح به معنی روزه‌دار تفسیر کرده‌اند؛ اما باید دانست سائح را به معنی کسی که در طریق اطاعت خدا سیر می‌کند نیز تفسیر کرده‌اند.

۱- الرحمن، ۷۰.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۹۳.

۳- تحریم، ۵.



نکته درخور توجه این است که قرآن روی باکره و غیرباکره بودن زن تکیه خاصی نکرده و برای آن اهمیتی قائل نشده است؛ زیرا در مقابل اوصاف معنوی زیبایی که مطرح شد، این مسئله اهمیت چندانی ندارد.^۱



۱: نک: تفسیر نمونه، ج ۲۸، ص ۳۹۳.



کلید‌های طلایی خوشبختی





بر اساس وعده الهی، ازدواج باید منجر به کسب آرامش و افزایش شیرینی‌ها و زیبایی‌های زندگی شود. برای چشیدن طعم واقعی خوشبختی و آرامش، تعامل زن و شوهر باید بر اساس الگوهای صحیح و روش‌های شایسته بنا شود تا آنان بتوانند سالیان دراز همراه با آسایش و راحتی، به زندگی سعادت‌مندانه با یکدیگر بپردازند. برای داشتن این چنین زندگی سعادت‌مندانه، دو رکن محبت و احسان بسیار ضروری است.

محبت همچون اکسیر بی‌بدیلی است که می‌تواند تلخ‌کامی‌ها و سختی‌های زندگی را به شادمانی و شیرینی تبدیل کند و تحمل انسان را افزایش دهد. هنگامی که محبت در جان و دل آدمی رسوخ پیدا کند، عملکرد آدمی را دستخوش تغییر می‌کند و جلوه‌های زیبای احسان در رفتار او نمودار می‌شود. بدون شک داشتن زندگی سعادت‌مندانه و بانشاط، ارتباط مستقیمی با میزان محبت بین اعضای خانواده دارد. خداوند متعال این محبت را به‌عنوان هدیه‌ای آسمانی، در ابتدای ازدواج به زن و شوهر عطا کرده است:

﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾

(در در میان شما مودت و رحمت قرار داد.)

در این آیه شریفه، خداوند متعال از واژه «جعل» استفاده کرده است و مشخص می‌فرماید که این مودت و رحمت بین همسران، هدیه‌ای الهی به زن و شوهر است. پس وظیفه همسران است که این هدیه آسمانی را ارج نهند و زمینه رشد و گسترش آن را ایجاد کنند.

نکته بسیار زیبایی این آیه شریفه، کاربرد واژه «مودت» است. مودت معنای بسیار عمیق‌تری از کلمه محبت دارد و به همین دلیل، برای رابطه عاطفی همسران به کار رفته است. در واقع اوج محبت را مودت می‌گویند. مودت معادل واژه زیبا و دل‌نشین عشق است که موجب طراوت و شادمانی در زندگی می‌شود. مودت نوع خاصی از محبت با ویژگی‌هایی خاص است. در مودت، محبت انسان‌ها به یکدیگر برای جلب منفعت یا دفع ضرر نیست؛ بلکه این محبت صرفاً برای نفس خود محبوب است. همچنین مودت، محبتی است که برای انسان تعهد و مسئولیت می‌آورد.

داشتن محبت به دیگران مسئولیت خاصی برای ما ایجاد نمی‌کند؛ اما هنگامی که صحبت مودت به میان می‌آید، مسئولیت‌ها نیز آغاز می‌شود. به همین دلیل است که پیامبر پاداش رسالت خود را مودت اهل بیت خود معرفی کرده است تا مسلمانان با انجام مسئولیت خود در قبال اهل بیت و اطاعت از فرمان‌های آنان، راه سعادت و رستگاری را طی کنند. محبت در خانواده نیز از همین جنس است. با آغاز دوران زناشویی، علاوه بر ایجاد میل و رغبتی وصف‌ناپذیر در دل و جان دختر و پسر، هر دو درباره سرنوشت یکدیگر در دنیا و آخرت مسئولیت پیدا می‌کنند و موظف می‌شوند برای سعادت یکدیگر تلاش کنند.

در این میان، لازم است به نکته‌ای بسیار مهم توجه کنیم: مودت و عشق، این هدیه ارزشمند الهی، همانند آتشی در جان و دل زن و مرد، شور و نشاط به پا می‌کند و موجب گرمابخشی به زندگی می‌شود. اما اگر از این آتش غفلت شود، از رونق آن کاسته می‌شود و رو به زوال و سردی خواهد گذاشت. در طول زندگی مشترک، زن و شوهر باید با رعایت اصول مهرورزی، دم‌به‌دم به حرارت این آتش بیفزایند و شوروشوق زندگی خود را افزایش دهند. در غیر این صورت، آتش عشق رو به سردی



می‌نهد و شیرینی زندگی را از بین خواهد برد. به همین جهت است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«نیک‌ایمان‌ترین مردمان کسی است که خوش اخلاق‌تر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من با خانواده از شما مهربان‌ترم.»^۱

برای شعله‌ور نگاه داشتن این آتش، لازم است زن و مرد هریک وظیفه خاص خود را در خانواده انجام دهند. در این قسمت و با توجه به ویژگی این کتاب، صرفاً به راهکارها یا شاه‌کلیدهای خوشبختی که بانوان می‌توانند به کمک آن‌ها به زندگی خود گرما بخشند، اشاره خواهد شد:

• خوش اخلاقی

همان‌طور که گفته شد، محبت ایجاد شده در ابتدای زندگی، هدیه خداوندی است؛ اما حفظ و تقویت آن نیازمند هنرمندی و ابراز و اثبات محبت است. اخلاق شایسته از عوامل مهمی است که منجر به جلب محبت در خانواده می‌شود. به‌طور کلی و در روابط اجتماعی، همه ما دوست داریم با کسانی ارتباط داشته باشیم که اخلاقی شایسته دارند. هیچ‌کس از بداخلاقی و پرخاشگری و توهین به دیگران لذت نبرده و نمی‌برد. پس برای جلب محبت هرچه بیشتر در محیط خانواده باید سعی کنیم با اخلاقی شایسته، در کمال ادب و احترام و مدارا برخورد کرده، از بداخلاقی و پرخاشگری اجتناب کنیم. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به پرسشی از معنای حسن خلق فرمود:

«حسن خلق این است که نرم‌خو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوش‌رویی برخورد کنی.»^۲

واقعیت این است که کمتر چیزی به اندازه محبت و حسن خلق می‌تواند دیگران را به ما علاقه‌مند کند و دوستی‌ها را افزایش دهد. به همین دلیل است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیباترین مکارم اخلاق را داشت و به دیگران نیز توصیه می‌فرمود اخلاق خود را شایسته کنند:

«حسن خلق رشته دوستی را استوار می‌کند.»^۳

۱- عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۲۸، حدیث ۱۰۹؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۷، حدیث ۳۴.
۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۰۹، حدیث ۱۷۵۹.
۳- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۸، حدیث ۷۱.



پس برای آباد شدن خانه هایمان و گرمابخشی به زندگی، باید اخلاق خود را نیکو کنیم؛ زیرا امام صادق علیه السلام فرمود:

«نیکی کردن و خوش خویی، خانه ها را آباد و عمرها را زیاد می کند.»^۱
گاهی اوقات برخی از خانم ها یا آقایان، به گمان خود، از بد اخلاقی برای اصلاح طرف مقابل و یادآوری نکات ضروری زندگی استفاده می کنند. برای مثال، هنگامی که مشاهده می کنند همسر آن ها در مراجعت از محیط کار، بدون توجه به زحمات ایشان، لباس ها و وسایل خود را در بین راه و بر روی مبل رها می کند، از کوره در می روند و با عصبانیت سعی می کنند او را متوجه خطای رفتاری اش بکنند. باید باور داشته باشیم:

با عصبانیت و بد اخلاقی، امکان ایجاد تغییر مثبت در دیگران وجود ندارد. در این مواقع بهتر است در زمان مناسب و با اخلاقی شایسته، این نکات را به همسر خود تذکر دهید تا بیشترین تأثیر ممکن را بر او بگذارد. امیر ملک ولایت، علی علیه السلام، در کلامی زیبا سه عامل جلب محبت را این چنین معرفی می کند:

«ثلاثٌ یوجبنَّ المحبَّةَ: حُسْنُ الخلق و حُسْنُ الرِّزق و التَّواضع.»^۲
(سه خصلت موجب جلب محبت می شود: خوش اخلاقی و ملایمت و فروتنی.)

● احترام

یکی دیگر از اصول اساسی محبت و ارکان اصلی تقویت ارتباطات در اجتماع، حفظ احترام متقابل است. خط قرمز هر ارتباط سالم، حفظ احترام است و هنگامی که احترام در یک جمع یا گروه یا خانواده از میان برود، بازگشت آن بسیار سخت خواهد بود و احتمال دوام و بقای آن نیز بسیار ضعیف خواهد شد. در واقع احترام نیاز تمامی انسان ها در هر سن و مقطعی است. هیچ انسانی نیست که از بی احترامی خوش حال شود یا از دریافت احترام و محبت خشنود نشود. در واقع احترام و محبت دو نیاز اساسی انسان هاست که همانند نیازهای فیزیولوژیکی مانند آب و هوا برای آنان ضروری است. یکی از ویژگی های احترام این است که علاوه بر اهمیتی که در تقویت ارتباطات اجتماعی دارد، خود نیز منجر به زایش و افزایش محبت می شود.

۱: بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۳۱، حدیث ۲۳.

۲: غرر الحکم، حدیث ۴۶۸۴.





پس یکی از ارکان خوشبختی و سعادت در خانواده، حفظ احترام متقابل است. اگر واقعاً برای خانواده خود ارزش قائل هستیم و بنای حفظ آن را داریم، در هیچ موقعیتی نباید حرمت همسر خود را بشکنیم و به او بی احترامی کنیم. اگر ازدواج هایی را که منجر به طلاق شده اند، بررسی کنیم، خواهیم دید در روابط آن ها در روزها و ماه های قبل از طلاق، احترام جایگاهی نداشته است و زن و مرد به راحتی به یکدیگر توهین می کرده اند. به همین دلیل است که در آموزه های دینی، تأکید بسیار زیادی بر حفظ احترام به ویژه در زندگی مشترک شده است.

همان طور که تأکید شد، احترام نیاز تمامی انسان ها با هر جنس و سن و در هر جایگاهی است. پس هرگز احساس نکنیم که همسر ما نیازمند احترام است؛ اما فرزندانمان به واسطه سن کمتر خود، شایسته دریافت احترام نیستند. اتفاقاً به دلیل اینکه فرزندان در حال شکل دادن به شخصیت خود هستند، نیاز بسیار زیادی به احترام ما دارند.

واقعیت این است که هرچقدر بتوانیم بیشتر به طرف مقابل خود احترام بگذاریم، امکان اصلاح او بیشتر و بیشتر خواهد شد. با احترام گذاشتن به طرف مقابل، شخصیت او را گرمی داشته و او را تکریم کرده ایم و هیچ شخصیت تکریم شده و محترمی، حاضر به انجام رفتارهای زشت نخواهد بود. قطعاً خود ما هم تجربه کرده ایم در محیط هایی که دیگران بیشتر به ما احترام می گذارند، مراقبت بیشتری بر رفتار خود می کنیم. به همین دلیل است که در تعلیمات نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تأکید فراوانی به احترام به دیگران شده است و از خوار و خفیف کردن دیگران به شدت نهی شده است؛ تا جایی که بی حرمتی به انسان ها را در حکم جنگ با خداوند دانسته اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خداوند عزوجل می فرماید: هرکس بنده مؤمن مرا خوار کند، باید به من اعلام جنگ کند.»^۱

پس به یاد داشته باشیم به هیچ عنوان، برای اصلاح همسر و فرزند و حتی برای تذکر دادن زشت ترین رفتارها نیز بی احترامی نکنیم و کرامت نفس آنان را حفظ کنیم؛ زیرا مولانا امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است:

^۱ نواب الاعمال، ص ۲۸۴، حدیث ۱.

«هرکه برای نفس خود احترام قائل باشد، آن را با معصیت خوار نمی‌کند.»^۱
 رعایت احترام همسران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا اولاً به‌طور معمول، مردان از همسران خود سن بیشتری دارند و از آن مهم‌تر اینکه مردان به‌علت ساختار روحی خاص خود، به‌شدت به احترام و حفظ اقتدار نیازمندند تا بتوانند از زندگی با مالذت ببرند. پس همیشه و در هر حالتی، حتی در هنگامی که حق با ماست و اشتباه از همسران است، احترام او را حفظ کنیم. اگر زندگی خود را دوست داریم و می‌خواهیم خانواده‌مان پابرجا بماند، احترام گذاشتن خود را وابسته به احترام طرف مقابل قرار ندهیم.

شاید این سخن به‌نظر سخت و یک‌جانبه باشد؛ اما بدانیم اگر ما هم در پاسخ بی‌احترامی طرف مقابل حرمت‌شکنی کنیم، دیگر هیچ‌امیدی به اصلاح خانواده و پیشیدن طعم خوشبختی وجود نخواهد داشت. پس اگر برای خود ارزش قائل هستیم، احترام همسر را حفظ کنیم و به یاد داشته باشیم خدای حکیم و مهربان، شاهد اعمال ما هست و پاداش صبرمان را به‌بهترین شکل ممکن خواهد داد. مولای متقیان علی علیه السلام خطاب به تمام زنان و مردان عالم فرموده است:

«خداوند جهاد را بر مردان و زنان واجب کرده است. جهاد مرد بخشیدن مال و جان خویش است تا آنکه در راه خدا کشته شود و جهاد زن این است که در برابر آزار و اذیت شوهرش و غیرت او صبر کند.»^۲

● فروتنی

یکی دیگر از شاه‌کلیدهای خوشبختی در زندگی، داشتن روحیه‌ی تواضع است. به‌طور کلی انسان‌ها علاقه‌ای به ارتباط با افراد متکبر و از خودراضی نداشته، محبتی به چنین افرادی ندارند. تکبر در انسان موجب می‌گردد جایگاه دیگران را نادیده بگیرد و برای آنان ارزشی قائل نباشد. در این صورت است که اجازه‌ی بسیاری از خطاها را به خود می‌دهد و زندگی را بر خود و دیگران تلخ می‌کند. در واقع تکبر ریشه‌ی بسیاری از صفات رذیله و اخلاقیات ناپسند است که منجر به دوری انسان‌ها از یکدیگر می‌شود. بی‌احترامی به طرف مقابل، صدازدن با القاب زشت، تمسخر، حسادت و ورزی و

۱: ثواب الاعمال، ص ۲۸۴، حدیث ۱.

۲: کافی، ج ۵، ص ۹، حدیث ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۱، حدیث ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۹، حدیث ۴۵۱۶.





بسیاری دیگر از خطاهای موجود در ارتباطات، ریشه در تکبر درونی انسان دارد. به همین دلیل است که پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تکبر را عامل دوری انسان‌ها از یکدیگر معرفی کرده است:

«منفورترین مردمان شخص متکبر است.»^۱

با توجه به اینکه بنیان خانواده بر محبت و صمیمیت بنا نهاده شده است، داشتن غرور و تکبر در آن بسیار زشت‌تر و ناپسندتر است؛ لذا زن و مرد باید بسیار مراقب باشند از انجام رفتارهایی که شائبه تکبر و غرور و خودبرتربینی دارد، اجتناب کنند. خانم‌هایی که سطح علمی یا اجتماعی بالاتری از شوهر خود دارند، بسیار مراقب باشند. در این صورت، کوچک‌ترین رفتاری از جانب ایشان که باعث شود همسر گمان کند قصد تخریب او را دارند، آسیب جدی به زندگی زناشویی وارد خواهد کرد. حتی اگر شوهر تصمیم اشتباهی گرفت و به مشاوره و راهنمایی نیاز داشت، زن باید سعی کند مستقیماً او را از خطای خود آگاه نکند؛ بلکه در نهایت ظرافت و احترام، به آرامی و با روش‌های غیرمستقیم، او را متوجه خطایش کند. در این صورت است که احتمال اثرگذاری سخن زن افزایش می‌یابد و از همه مهم‌تر، کانون گرم خانواده حفظ خواهد شد.

بدون شک فروتنی منجر می‌شود محبت ما در قلب همسرمان رسوخ کند و قلب او در تسخیر ما باشد. امام العارفين علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام در کلامی زیبا سه عامل جلب محبت را معرفی کرده است:

«سه خصلت موجب جلب محبت می‌شود: خوش اخلاقی و ملائمت و فروتنی.»^۲

وفاداری

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی خوشبختی، وفاداری در خانواده است. برای دوام و بقای زندگی مشترک لازم است زن و شوهر هر دو به زندگی خود وفادار باشند. اساساً وفاداری یکی از نشانه‌های مؤمنان است و خداوند متعال فرمان داده است که به عهدها و قرارهای خود پایبند باشیم:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^۳

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۳۱، حدیث ۲۳.

۲- غرر الحکم، حدیث ۴۶۸۴.

۳- اسراء، ۳۴.

(و به پیمان وفا کنید؛ زیرا که از پیمان سؤال می‌شود.)

طبق این آیه شریفه، همه انسان‌ها در برابر قول و عهد خود مسئول هستند و باید درباره این پیمان‌ها در روز قیامت پاسخ‌گو باشند. حال سؤال این است: چه عهدی با اهمیت‌تر از پیمان زندگی مشترک وجود دارد؟ هنگامی که دختر و پسر تصمیم به ازدواج می‌گیرند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، با یکدیگر پیمان می‌بندند که تا پایان عمر همراه یکدیگر بوده، در سختی‌ها و مشکلات یار و یاور هم باشند و تمام تلاش خود را برای حفظ خانواده و جلب رضایت طرف مقابل به کار گیرند. پس چه اتفاقی می‌افتد که با گذشتن مدتی از آغاز زندگی، بی‌وفایی‌ها به تدریج آغاز می‌شود و زن و شوهر هر کدام به‌گونه‌ای زندگی می‌کنند که گویی هیچ پیمانی با هم نداشته‌اند؟!

متأسفانه در طول سال‌های اخیر، زنان و مردانی را مشاهده کرده‌ایم که در نهایت بی‌تعهدی، حریم روابط خود با جنس مخالف را حفظ نکرده‌اند و بدون توجه به هنجارهای جامعه رفتار می‌کنند. به یاد داشته باشیم هنگامی که عقد ازدواج جاری می‌شود، دیگر از حالت انفرادی خود خارج می‌شویم و با همسر خود تشکیل یک «ما»ی مشترک می‌دهیم. قبل از ازدواج، رفتارهای ما فقط بر زندگی شخصی و سرنوشت خود ما تأثیرگذار بود؛ اما از این پس هرگونه رفتار مثبت یا منفی ما ممکن است منجر به سعادت یا شقاوت طرف مقابلمان نیز بشود. پس به‌طور جدی مراقب عملکرد خود باشیم.

از طرفی در مواجهه با رفتارهای غلط طرف مقابل، باید بسیار هوشمندانه عمل کنیم تا حساسیت‌های ما منجر به تشدید رفتار غلط همسرمان نشود. از طرفی و به‌عنوان توصیه‌ای جدی، هنگامی که یک رفتار ناهنجار و ناشایست را در طرف مقابل خود مشاهده می‌کنیم، قبل از محکوم کردن طرف مقابل از خود بپرسیم: «چه رفتاری از من منجر به بروز چنین خطایی در او شده است؟» این نگاه آسیب‌شناسانه به خود سرمنشأ اصلاح و رشد ما می‌شود. گاهی ممکن است خطا و بی‌وفایی همسر ناشی از بی‌تعهدی‌های کوچک ما در طول سالیان باشد که او را از دایره غیرت خارج کرده و امروز مرتکب چنین رفتاری شده است. حتماً سعی کنیم این نوع نگاه را در تمامی روابط از جمله در خانواده و در اجتماع به کار ببندیم تا از وقوع مشکلات بزرگ‌تر پیشگیری کرده، خود را نیز اصلاح کنیم.





وفاداری به عهد تا جایی از اهمیت برخوردار است که از زینت عبادت‌کنندگان، امام‌سجاد علیه السلام پرسیدند چکیده و خلاصه شرایع دین چیست. حضرت فرمود:

«حق‌گویی، داوری عادلانه و وفای به عهد.»^۱

یکی از تأکیده‌های جدی بزرگان به دختران و پسران جوان این است که در هنگام انتخاب همسر، به ایمان و تقوای طرف مقابل بیش از هر چیز توجه کنند؛ زیرا از ثمره‌ها و نتیجه‌های این ایمان، اخلاق نیکو و وفاداری به عهد و رعایت صداقت است. بدون شک این ویژگی‌ها سالیان سال، شیرینی و سلامت خانواده را تضمین می‌کنند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در کلامی زیبا می‌فرماید:

«ریشه دین، امانت‌داری و پایبندی به پیمان‌هاست.»^۲

اگر فقط همین دو نکته را در فضای خانواده خود رعایت کنیم، یعنی به پیمان‌های خود با خدا و همسر و فرزندان پایبند باشیم و همسر و خانواده خود را امانت الهی بدانیم و نهایت توان خود را برای حفظ این خانواده به‌عنوان امانت الهی به کار بگیریم، آیا ممکن است شیرینی زندگی رو به تلخی گذارد؟

متأسفانه گاهی اوقات برخی افراد، بی‌وفایی و عهدشکنی طرف مقابل را مجوز خطای خود می‌دانند و بعد از مشاهده کوچک‌ترین نشانه‌هایی از خطا و عهدشکنی، خود نیز به بهانه جبران بدی او، به عهدشکنی و بی‌وفایی روی می‌آورند. اگر تمام دنیا عهدشکنی کنند و هیچ‌کس حتی یک کلام صادقانه به زبان جاری نکند، مجوز یک خطای کوچک یا حتی یک دروغ شوخی برای ما صادر نمی‌شود. در پیشگاه عدل خداوند، هرکس باید پاسخ‌گوی خطاهای خود باشد؛ زیرا خداوند کسی را به جای دیگری مجازات نمی‌کند و خطای هیچ‌کس را توجیهی برای خطای دیگران نمی‌داند. گذشته از این، وفای به عهد نشانه بزرگی شخصیت خود ماست. این، معنای سخن علی بن ابی‌طالب علیه السلام است:

«انجام‌دادن وعده از نشانه‌های بزرگواری است.»^۳

۱- الخصال، ص ۱۱۳، حدیث ۹۰.

۲- غرر الحکم، حدیث ۱۷۶۲.

۳- غرر الحکم، حدیث ۲۱۹۳.

• وفای به عهد و تربیت فرزند

فرزندان در دوران اولیۀ شکل‌گیری شخصیت خود، بیش از هرکس، به پدر و مادر به عنوان دو قهرمان زندگی خود نگاه می‌کنند و آنان را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند. از طرفی، فرزندان هنگامی به صحبت‌های والدین خود توجه کرده، با جان‌ودل به توصیه‌های آنان عمل می‌کنند که به آنان اعتماد کامل داشته و برای آنان حرمت قائل باشند. هنگامی که پدر یا مادر به حرف خود عمل نکنند و قول خود را زیر پا بگذارند، اولاً درس عملی بدقولی را به فرزندان آموزش داده، به آنان یاد می‌دهند که هرگاه قدرت کافی داشتند، به وعده‌های خود عمل نکنند. ثانیاً با این بدقولی، به شدت جایگاه خود را نزد فرزندان از دست می‌دهند و آنان دیگر اعتباری برای حرف پدر و مادر خود قائل نخواهند بود. به همین دلیل است که باید بسیار مراقب باشیم در هر موقعیتی، به وعده‌هایی که به فرزندان خود داده‌ایم، عمل کنیم.

برای مثال، گاهی اوقات مادران برای اینکه فرزند دلبندشان غذایش را بخورد یا وسایل اتاق را مرتب کند، به او قول می‌دهند که به پارک ببرندش؛ اما هنگامی که فرزند کار خود را انجام می‌دهد، یادشان می‌آید که هوا سرد است و وقت ندارند و تازه امشب مهمانی هم دعوت هستند! گاهی اوقات ابتدای سال تحصیلی به فرزند خود قول خرید جایزه‌ای بزرگ در صورت کسب معدل ۲۰ را می‌دهند؛ اما در پایان ترم متوجه می‌شوند بودجه کافی برای خرید آن هدیه را ندارند. در این صورت است که اعتبار مادر در نزد فرزندان در معرض آسیب جدی قرار می‌گیرد.

گاهی اوقات برخی والدین از نافرمانی فرزندان خود گله می‌کنند و حسرت والدینی را می‌خورند که فقط کافی است یک بار نکته‌ای را به فرزندشان متذکر شوند تا او آن کار را انجام دهد. واقعیت این است که بسیاری از این نافرمانی‌ها و سرپیچی‌های فرزندان، بر اثر مشاهده و یادگیری غیرمستقیم بدقولی و دروغ‌گویی از والدین است. برای همین گفته شد در آسیب‌ها ابتدا باید عملکرد خود را بررسی کنیم.

پس سعی کنیم به هر شکل که می‌توانیم، به وعده‌های خود عمل کنیم تا اعتبار ما در نزد فرزندانمان حفظ شود. به دلیل اهمیت موضوع، در این بخش به صورت خیلی خلاصه چند راهکار خوش‌قول بودن در برابر همسر و فرزندان و به طور کلی در اجتماع را مطرح می‌کنیم.



● راهکارهای خوش قولی و وفای به عهد

● قول ندهیم

در قدم اول سعی کنیم تا می‌توانیم، از قول دادن اجتناب کنیم. برخی افراد عادت دارند به سادگی و در صحنه‌های مختلف به دیگران قول دهند؛ اما در صحنه عمل، اهتمام جدی برای عمل کردن به وعده‌های خود را ندارند. با توجه به اینکه هر قولی، یک تعهد تخلف‌ناپذیر است، سعی کنیم تا حد امکان از قول دادن اجتناب کنیم.

● قبل از قول دادن، توانایی‌های خود را بررسی کنیم

قطعاً زمان‌هایی خواهد بود که مجبور هستیم به دیگران قول دهیم و پیمان‌هایی با آنان ببندیم. در این صورت حتماً قبل از قول دادن، به توانایی‌های خود توجه کنیم و متناسب با توانایی خود قول بدهیم. بهتر است همیشه کمتر از توانایی خود به دیگران قول بدهیم. مثلاً اگر می‌توانیم فرزند خود را به شهر بازی ببریم و او را سوار پنج اسباب بازی کنیم، به او قول فقط دو تا سه اسباب بازی را بدهیم تا به راحتی از عهده تعهد خود برآییم و اگر توانستیم او را سوار هر پنج اسباب بازی کنیم، فرزندمان بسیار شادمان می‌شود و تأثیر بیشتری بر او خواهیم گذاشت.

● ثبت قرارها و عهدها

سعی کنیم قول و قرارهای خود را یادداشت کنیم تا از فراموش شدن آن‌ها پیشگیری کرده باشیم. گاهی اوقات واقعاً قصد بدقولی نداریم؛ اما به سبب فراموشی یک تعهد، اعتبار خود را از دست می‌دهیم. پس حتماً قرارهای خود را ثبت کنیم. به خصوص اگر تا به حال سابقه فراموشی قول‌های خود را داشته‌ایم، این توصیه را جدی بگیریم.

● جبران کنیم

با تمام مراقبت‌هایی که گفته شد، باز ممکن است در موقعیتی خاص، نتوانیم به یک وعده خود عمل کنیم. در این صورت حتماً لازم است در اسرع وقت، همان کار یا کاری مشابه را برای طرف مقابل انجام دهیم و به او اعلام کنیم این پاداش، برای جبران قولی بوده که محقق نشده است.



● انصاف

یکی دیگر از عوامل خوشبختی و جلب محبت که طعمی شیرین به دنبال دارد، رعایت انصاف است. انصاف یکی از مفاهیم زیبا و عمیق اسلامی است که جاری شدن آن در جامعه، نویدبخش ایجاد آرمان شهر اسلامی است. امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«سه خصلت است که به وسیله آن‌ها، محبت جلب می‌شود: رعایت انصاف در معاشرت با دیگران، همیاری دیگران در سختی و برخورداری از قلب سلیم و مهربان.»^۱

تمامی انسان‌ها انصاف را زیبا می‌دانند و دوست دارند با آنان منصفانه رفتار شود. به همین دلیل است که پیامبر رحمت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله راه دستیابی و ورود به بهشت را این‌گونه معرفی می‌کند:

«هرطور دوست داری مردم با تو رفتار کنند، با آنان رفتار کن و هرچه را ناپسند می‌دانی که مردم با تو آن‌گونه رفتار کنند، آن کار را انجام نده.»^۲

پس مراقب باشیم همیشه در تعامل با همسر و فرزندان خود انصاف را رعایت کنیم تا راه ورود خود به بهشت را هموار سازیم. یکی از مصادیق مهم رعایت انصاف، توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های طرف مقابل است. هیچ‌کدامان دوست نداریم شوهرمان از ما توقع زیاد داشته باشد و کارهای سنگینی خارج از توانمان به ما واگذار کند. پس ما هم توقع‌های فراتر از توان شوهر خود را از او نداشته باشیم. توانایی مردان مختلف با یکدیگر متفاوت است و نمی‌توان انتظار داشت کارهایی را که مثلاً پدرمان برای مادرمان انجام می‌داده است، همسرمان نیز بتواند انجام دهد. این تفاوت توانایی‌ها در ابعاد جسمی و روحی و اقتصادی و... به چشم می‌خورد. ممکن است همسر ما از نظر قدرت بدنی با مردان دیگری که در خانواده‌مان بوده‌اند، تفاوت داشته باشد یا توان تحمل مشکلات در همسر ما کمتر از سطح انتظارمان باشد. در این صورت باید سعی کنیم منصفانه عمل کنیم و به اندازه توانایی‌های او، از او انتظار داشته باشیم. توانایی اقتصادی مردان و قدرت تولید ثروت و ریسک‌پذیری مردان مختلف متفاوت است و نمی‌توانیم انتظاری مشابه از مردان مختلف داشته باشیم. باید توجه کنیم همسر ما تمام تلاش خود را برای تأمین رفاه خانواده انجام

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۹؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۲، حدیث ۱۹۴۸.



می‌دهد. پس توقع بیش از اندازه از او نداشته باشیم. پیامبر گرامی اسلام که زن را مایهٔ رحمت و آرامش خانواده معرفی کرده است، به زنان توصیه‌ای جدی می‌کند: «آگاه باشید که هر زنی با شوهرش مدارا نکند و آنچه در توان او نیست و از حد تحمل او خارج است، بر او تحمیل کند، خداوند هیچ کار نیکی را از او نمی‌پذیرد و در حالی خداوند را دیدار می‌کند که خدا از او خشمناک است.»^۱

● چهرهٔ شادمان

چهرهٔ شادمان و خندان تأثیر زیادی در جلب محبت و احساس خوشبختی در خانواده و به طور کلی در جامعه می‌گذارد. شادمانی و طراوت چهره و تبسم و لبخند، موجب ایجاد سرور و شادمانی در دیگران می‌شود و همین امر، منجر به جلب محبت خواهد شد. معمولاً انسان‌ها از دیدن افراد عبوس و اخمو ناراحت می‌شوند و با دیدن افراد خندان و شادمان، خشنود می‌شوند و غم‌هایشان را فراموش می‌کنند. به همین دلیل است که در توصیف پیامبر، به تبسم همیشگی ایشان اشاره می‌شود.

واقعیت این است که معمولاً افراد جامعه هر یک مشکلات شخصی خود را داشته، دوست ندارند با دیدن دیگران، غم‌های آنان نیز بر دوششان سنگینی کند. انسان‌ها با دیدن شادمانی و لبخند دیگران، غم خود را فراموش کرده، لحظاتی را به شادمانی سپری می‌کنند. به همین دلیل است که خداوند برای لبخند و چهرهٔ شادمان پاداش شایسته‌ای در نظر گرفته است. شکافندهٔ علوم، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«چهرهٔ شاد و روی باز، وسیلهٔ جلب محبت و مایهٔ تقرب به خداوند است و ترش‌رویی و گرفتگی چهره، سبب جلب دشمنی و مایهٔ دوری از [رحمت] خداست.»^۲

طبیعی است که با توجه به زیبایی‌ها و لطافت‌های جسمی و روحی زنان، اهمیت خوش‌رویی و شادمانی آنان در خانواده دوچندان است. بانوان مایهٔ آرامش و شیرینی زندگی هستند و با نشاط خود، محیط مناسبی را برای تسکین همسر و تربیت فرزندان سالم فراهم می‌آورند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به شادمان کردن خانواده توصیه فرموده است: «هرکس خانواده‌اش را شاد سازد، خداوند از آن شادی، مخلوقی می‌آفریند که تا روز قیامت، برای او طلب آمرزش کند.»^۳

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶، حدیث ۴۹۶۸.

۲ تحف العقول، ص ۲۹۶.

۳ تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۲۲۶.



● نگاه محبت‌آمیز

همان طور که در آغاز کتاب مطرح شد، هیچ بنایی ارزشمندتر از ازدواج، در اسلام وجود ندارد. به دلیل همین علاقه خداوند به تشکیل خانواده سالم، هر اقدامی که در چهارچوب عقل و شرع، به گرمای زندگی مشترک بیفزاید، از نظر اسلام ارزشمند است و خداوند به آن عمل، پاداش فراوانی عنایت می‌فرماید. بدون شک نگاه محبت‌آمیز همسران به یکدیگر، یکی از عوامل تحکیم خانواده است که منجر می‌شود پیوند قلبی آنان عمیق‌تر شده، زیبایی‌های زندگی‌شان افزون شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلامی زیبا و راهگشا می‌فرماید:

«هرگاه مردی به چهره همسرش و همسرش به او بنگرد، خداوند به آن دو با نگاه محبت‌آمیز می‌نگرد و هرگاه دست یکدیگر را بگیرند، گناهان آنان از میان انگشتانشان فرو می‌ریزد.»^۱

پس همیشه سعی کنیم با نهایت عشق و محبت به همسر خود نگاه کنیم تا سیگنال‌های عشق و محبتمان به سوی او ارسال شود. در این موقعیت است که باید منتظر باشیم پاسخ‌های محبت‌آمیز او نیز به گرمای زندگی مشترکمان بیش از پیش بیفزاید.

● استقبال و بدرقه

برای خوشبخت شدن و گرمابخشی به زندگی مشترک، به انجام دادن کارهای عجیب و غریب یا اقدامات طاقت‌فرسا نیاز نیست. کارهای بسیار ساده و کوچکی هستند که در درازمدت، شیرینی وصف‌ناپذیری را به زندگی مشترک ما وارد می‌سازند. استقبال از همسر و بدرقه او، یکی از این اقداماتی است که با وجود سادگی و راحتی، احساس محبت را در همسر ما شکل می‌دهد و رضایتمندی و محبت متقابل را افزایش خواهد داد.

مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: «همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبال می‌آید و هرگاه خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند و هرگاه مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چرا اندوهگین هستی؟ اگر غم روزی‌ات را می‌خوری، غیر تو (خداوند) آن را برایت ضمانت کرده است و اگر غم آخرت را داری، پس خداوند

^۱ نهج الفصاحة، ص ۲۷۸؛ مسند زید، ص ۳۰۲ از امام سجاد از پدرانش علیهم السلام.





براندوهت بیفزاید. [همه ما به تلاش بیشتر برای آبادانی آخرت خود نیاز داریم.]
پیامبر فرمود:

«خداوند کارگزارانی دارد و این زن، یکی از کارگزاران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است.»^۱

اگر ما هم دوست داریم در قیامت خداوند متعال نیمی از پاداش شهید را به ما عنایت کند، حتماً برای استقبال از همسر و بدرقه او برنامه‌ریزی کنیم. اگر خانه‌دار هستیم و صبح‌ها در منزل به سر می‌بریم، حتماً سعی کنیم صبح‌ها حداقل برای دقایقی بیدار باشیم و پس از صرف صبحانه با همسر و بدرقه او، به استراحت بپردازیم. سعی کنیم در زمان‌های تقریبی مراجعت همسر به منزل، آماده استقبال از او باشیم و ترجیحاً با ظاهری آراسته به دیدار همسر خود بشتابیم. در صورتی که ما نیز شاغل هستیم و فعالیت‌هایی در بیرون از منزل داریم، سعی کنیم تا حد امکان، برنامه کاری خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که قبل از ورود شوهر، در خانه حضور داشته باشیم و پس از استقبال از همسر، استراحت کنیم و همراه او به صرف غذا بپردازیم.

● هم‌نشینی و غذا خوردن با همسر و فرزندان

یکی از راهکارهای جلب محبت و تقویت ارتباطات انسانی، هم‌نشینی و حضور در جمع نزدیکان است. از آنجا که جایگاه ابتدایی تمام خوبی‌ها باید در خانواده به‌عنوان ارزشمندترین بنای اسلامی باشد، هم‌نشینی با همسر و فرزندان ضروری است. همان‌طور که گفته‌اند: «از دل برود هر آن‌که از دیده برفت.» حضور و دیدار منجر به افزایش محبت می‌شود؛ لذا در خانواده اسلامی، پدر و مادر و فرزندان باید نهایت تلاش خود را برای حضور مشترک در خانه بکنند.

متأسفانه شکل زندگی‌های امروزی به‌گونه‌ای شده است که میزان حضور افراد در خارج از منزل زیاد است و متأسفانه پس از مراجعه به منزل نیز فعالیت‌های جانبی و عموماً غیرمفید مثل پرداختن به تلویزیون و فضای مجازی و... مانع از هم‌نشینی و باهم بودن اعضای خانواده می‌شود. در اینجا نیز نقش اساسی بانوان به‌عنوان کانون محبت و گرمابخشی خانواده بسیار چشمگیر است. زنان می‌توانند با قلب

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹، حدیث ۴۳۶۹؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۸، حدیث ۱۵۰۰۱.

مهربان خود، اعضای خانواده را در کنار هم جمع کنند و فضایی پرمهر تدارک بینند. یکی از زمان‌های بسیار مهم برای هم‌نشینی، هنگام صرف غذاست؛ پس باید اعضای خانواده نهایت تلاش خود را برای حضور در کنار یکدیگر در این ساعات بکنند و هیچ‌گاه بدون عذر موجه، غذا خوردن با خانواده را ترک نکنند. در این باره پیامبر مهربانی‌ها حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:

«خداوند مؤمن را دوست می‌دارد و زن و فرزندانش را [نیز] دوست می‌دارد. محبوب‌ترین چیز نزد خداوند متعال، این است که ببیند مرد با زن و فرزندانش بر سر یک سفره غذا می‌خورند. پس هرگاه بر آن سفره گرد هم آیند، با نظر رحمت به ایشان می‌نگرد و پیش از آنکه از جای خود پراکنده شوند، آنان را می‌آمرد.»^۱

گاهی اوقات خانم‌های خانه‌دار بر اثر کم‌توجهی و خانم‌های شاغل به واسطه عجله برای حضور در محل کار، از صبحانه خوردن با همسر و فرزندان غفلت می‌کنند. حتماً سعی کنیم این وعده غذایی را هرچند کوتاه و مختصر، با خانواده خود میل کنیم. اگر ویژگی‌های شغلی ما و همسرمان اجازه می‌دهد، حتماً ناهار را نیز با یکدیگر میل کرده، سعی کنیم سر سفره، تلویزیون و تلفن همراه را کنار بگذاریم و صرفاً به همدلی با یکدیگر بپردازیم. در پایان روز و وعده شام، معمولاً تمام اعضای خانواده در منزل به سر می‌برند؛ پس قدر این فرصت عالی را برای باهم بودن بدانیم. در صورتی که شام بسیار سبک میل کرده یا به خوردن چند میوه اکتفا می‌کنیم، این کار را نیز در مجاورت همسر و فرزندان خود انجام دهیم.

● توجه به آراستگی

خداوند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد. او مخلوقات را در نهایت زیبایی و به‌بهترین شکل ممکن خود خلق کرده است و دوست دارد آنان نیز این زیبایی را پاس بدارند. در میان انسان‌ها، خداوند جنس زن را در زیبایی، برتری داده و این زیبایی را موجب جذابیت او قرار داده است. از طرفی مردان عمدتاً با چشم خود عاشق می‌شوند و به دیده‌های خود بسیار اهمیت می‌دهند. ظاهر زیبا برای مردان بلکه برای تمام انسان‌ها، موجب خشنودی و رضایتمندی فزون‌تر آنان از زندگی می‌شود. به دلیل همین ویژگی‌های شخصیتی جنس مرد است که پیامبر فرمود:

۱: تنبیه الغافلین، ص ۳۴۳، حدیث ۴۹۸.





«اگر زن خود را برای شوهرش آراسته نمی‌کرد، بی‌گمان در دل او جا نمی‌گرفت.»^۱
البته متقابلاً برای رعایت حس زیبایی‌طلبی بانوان، دستوره‌های فراوانی نیز به مردان برای نظافت و آراستگی در برابر همسر صادر شده است.
حتماً تلاش کنیم همیشه در مقابل همسر خود با آراستگی ظاهر حاضر شویم و از ژولیدگی پرهیز کنیم. اشتباه برخی خانم‌ها در این است که زیبایی و آراستگی را فقط مخصوص مهمانی‌ها و حضور در محافل بزرگ می‌دانند؛ در حالی که همسران آن‌ها شایسته‌ترین افراد برای مشاهده زیبایی‌های ایشان هستند. اختصاص دادن آراستگی به مهمانی‌ها، علاوه بر اینکه منجر به نارضایتی همسر از ایشان می‌شود، موجب کاهش اعتماد به نفس خودشان خواهد شد و این احساس را در آن‌ها تقویت می‌کند که خود شایسته استفاده از لباس‌های زیبا نیستند. البته طبیعی است که این آراستگی در منزل در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف، متفاوت است؛ اما در هر صورت نباید از اصل آن غفلت ورزید. امام کاظم علیه السلام به نقل از پدرانش، از رسول گرامی اسلام نقل می‌کند:
«هریک از شما باید خود را برای همسرش آراسته کند؛ همچنان که همسرش خود را برای او می‌آراید.»^۲

• تغافل

یکی از اصول اساسی در ارتباطات و تعاملات اجتماعی، اصل تغافل است. هرچقدر طرف مقابل ما برای انجام بهترین رفتارهای ممکن تلاش کند، باز هم احتمال دارد کارهایی از او سر بزند که نامناسب باشد یا از نگاه ما، پذیرفته نباشد. اگر قرار باشد با مشاهده هر رفتار خلاف میل خود، واکنش نشان دهیم و اعتراض کنیم، بدون شک خیلی زود عشق آتشین روزهای نخستین به کدورت و سپس نفرت تبدیل خواهد شد. لذا باید خود را عادت بدهیم که در مواجهه با بسیاری از خطاها چشم‌پوشی کنیم. بخشش و گذشتن از خطای دیگران، بیش از آنکه لطف و محبت به دیگران باشد، لطف به خود ماست؛ زیرا به این وسیله می‌توانیم آسایش خود را تأمین کنیم. اگر قرار باشد در زندگی مشترک در برابر کوچک‌ترین ناملازمات واکنش منفی

۱- تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۳۱۲.
۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۶، حدیث ۱۶۷۶۸.

نشان دهیم و دعوا کنیم، بیش از هرکس خود ما آزرده خاطر می شویم و آرامش مان را از دست خواهیم داد. به همین دلیل است که مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید: «هرکه از بسیاری از امور تغافل و چشم پوشی نکند، زندگی اش تیره می شود.»^۱

علاوه بر این، هنگامی که خطای کوچکی از طرف مقابل خود، خواه همسر یا فرزند، مشاهده می کنیم، در صورت ابراز مستقیم، آن ها برای دفاع از خود مجبور به توجیه رفتار غلط یا حتی دفاع از کار زشت خود می شوند. اما اگر صبر کرده، از خطای آنان چشم پوشی کنیم، حرمت خود و همسر و فرزندمان را حفظ کرده ایم و می توانیم به دنبال تدبیر و چاره برای اصلاح آنان باشیم.

لازم است یادآوری شود اصل تغافل در صورت بروز خطای عمدی است. پس اگر متوجه شدیم همسر یا فرزندمان به صورت ناخواسته خطایی کرده است، بسیار طبیعی است که اصلاً به آن توجه نکنیم و پی آن را نگیریم.

● رضایت و خرسندی

تمام نکاتی که در این کتاب از آیه های قرآن و فرمایش های چهارده معصوم مطرح شد، تنها یک هدف داشت و آن اصلاح روابط خانوادگی بود تا طبق وعده الهی، تشکیل خانواده منجر به کسب آرامش شود. واقعیت این است که در صورت رعایت تمام نکات قبل، باز هم ممکن است مشکلاتی در زندگی مشترک وجود داشته باشد که منجر به ناراحتی ما شود. گاهی اوقات خطاهایی کوچک از شیرینی زندگی کم می کند؛ گاه اتفاقات ناگوار و رویدادهای تلخ باعث می شود لذت زندگی برایمان کم شود یا گاه با مقایسه زندگی خود با دیگران، احساس ناکامی و سرخوردگی به ما دست دهد.

یکی از سؤالات پُرتکرار خانم ها پس از مطالعه این مطالب این است: «اگر ما تمام نکات ذکر شده را رعایت کردیم، اما همسرمان بدون تغییر بود و همان رفتارهای قبل را تکرار کرد، چه باید بکنیم؟» در جواب باید گفت اولاً شک نکنیم تغییر در ما منجر به اصلاح طرف مقابل نیز خواهد شد. البته نباید توقع تغییر ناگهانی را داشته باشیم. مثلاً اگر هیچ وقت برای غذا خوردن با یکدیگر اهمیت قائل نبوده ایم و این رفتار تبدیل به یک عادت در خانواده شده است، نباید توقع داشته باشیم در

۱: غرر الحکم، حدیث ۹۱۴۹.





اولین روزی که برای حضور مشترک بر سر سفره برنامه‌ریزی کردیم، همسرمان نیز با نهایت اشتیاق از این موضوع استقبال کند. این، قانون طبیعت است: ویران‌کردن بسیار آسان است؛ اما ساختن و آبادکردن زمان‌بر است و به صبر و حوصله نیاز دارد. پس صبر کنیم که ان‌شاءالله به فضل الهی، زندگی‌مان روزبه‌روز زیباتر و شادمان‌تر خواهد شد.

ثانیاً همه ما در زندگی باید به دنبال اصلاح خویشتن باشیم. قرار نیست با ایجاد کوچک‌ترین تغییر در خود، از طرف مقابل نیز متوقع شویم و منتظر باشیم او نیز خود را متحول کند. در این صورت، اوضاع ما از حالت قبل نیز بدتر خواهد شد.

نکته سوم این است که به سبب وجود محدودیت‌های طبیعی، هیچ‌وقت تمام دنیا به کام ما نخواهد بود؛ لذا باید تمرین کنیم در همین وضعیت موجود، آرامش داشته باشیم و از زندگی خود لذت ببریم. به یاد داشته باشیم راز موفقیت واقعی و آرامش پایدار این است که با وجود تلاش برای دستیابی به وضعیت مطلوب، از وضع موجود راضی بوده، شاکر نعمت‌های خداوندی باشیم. به همین دلیل است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«گواراترین زندگی از آن کسی است که به آنچه خداوند قسمت او کرده است، راضی باشد.»^۱

نتیجه این راضی بودن به نعمت‌های الهی، رسیدن به حیات طیبه است که خداوند وعده آن را به مؤمنان داده است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲

(هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.)

^۱ غرر الحکم، حدیث ۸۰۱۱.

^۲ نحل، ۹۷.





ضرورت فرزند آودر





در ابتدای کتاب یکی از کارکردها و اهداف ازدواج را تربیت فرزندان صالح و شایسته معرفی کردیم. متأسفانه گاه در فضای جامعه با افرادی مواجه می‌شویم که از وظیفه مهم فرزندآوری به بهانه فعالیت‌های اجتماعی خود غفلت کرده، تصور می‌کنند کارهای روزمره علمی، اقتصادی یا فرهنگی آنان ارزشی فراتر از تربیت فرزند دارد. نگاهی مشابه با این در صدر اسلام هم بوده است و گاهی اوقات برخی از بانوان احساس می‌کردند چون مسئولیت‌هایی با پاداش بزرگ مانند جهاد به مردان محول شده است، آنان بهره‌ای از فضایل ندارند. یکی از همسران پیامبر به پیامبر گفت: «همه خوبی‌ها را مردان از آن خود کرده‌اند. پس چه چیزی برای زنان باقی می‌ماند؟» پیامبر در جواب فرمود:

«هرگاه زن باردار شود، به منزله روزه دار شب زنده‌داری است که با جان و مال خود، در راه خدا جهاد می‌کند. پس چون وضع حمل کند، برایش چنان مزدی هست که در تصور تو نمی‌گنجد. هرگاه کودکش را شیر دهد، در برابر هر مکیدنی، ثوابی معادل آزادکردن یک بنده از فرزندان اسماعیل برایش وجود دارد. وقتی از شیردادن فراغت یابد، فرشته‌ای بر پهلو او می‌زند و می‌گوید: زندگی را از نو آغاز کن که آمرزیده

شدی.»^۱ پس به هیچ عنوان احساس نکنیم که کاری ارزشمندتر از تربیت فرزند یا اولویتی بالاتر از فرزندآوری وجود دارد. البته این تأکیدها برای کسانی است که توانایی فرزندآوری دارند و در انجام وظیفه خود کوتاهی می‌کنند. اما اگر به هر دلیلی، خداوند متعال صلاح زوجی را در نداشتن فرزند بداند، بدون شک رضایت به خواست الهی، فضیلتی وصف‌ناپذیر خواهد داشت.

آثار و نتایج تولد و تربیت فرزند

● خشنودی خداوند و گسترش توحید

خداوند متعال، رحمان و رحیم است. او در نهایت رحمت و محبت به بندگانش است و از هیچ خیر و فضلی برای آنان دریغ ندارد. اما چون انسان موجودی مختار است، ارزشمندی او هنگامی است که خود، راه صحیح را انتخاب کند. به همین دلیل خداوند متعال راه صحیح را به واسطه پیامبران به انسان نشان داده است تا آنان خودشان راه صحیح و صواب را انتخاب کنند. ذات بی‌همتای او، دوست دارد تمام اهل زمین هدایت را برگزینند و به رستگاری دست یابند. به همین دلیل است که تولد فرزند از خانواده‌ای باایمان، موجبات خرسندی خداوند متعال را فراهم آورد. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«نباید چیزی شخص باایمان را از تشکیل خانواده باز دارد. امید می‌رود خداوند فرزندی روزی او کند که زمین را با لا اله الا الله گران‌بها سازد.»^۲

● جلب رحمت الهی به والدین

خداوند متعال به دلیل وظیفه‌ای که بر دوش زن و مرد برای تربیت فرزند نهاده است، پاداش‌های فراوانی برای آنان در نظر گرفته است. خداوند متعال دوست دارد فرزندان شایسته در خانواده تربیت شوند و با توجه به اینکه تربیت شایسته، بدون محبت و تکریم شخصیت فرزند امکان‌پذیر نیست، پاداش‌های فراوانی صرفاً به جهت محبت‌ورزی به فرزندان به والدین می‌دهد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام این وعده را به ما داده است:

«همانا خداوند به بنده به دلیل محبت زیاد او به فرزندش، رحم می‌کند.»^۳

۱- امالی صدوق، ص ۴۹۶، حدیث ۶۷۸؛ امالی طوسی، ص ۶۱۸، حدیث ۱۲۷۳.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵، حدیث ۵.

۳- کتاب من لا یحضره فقیه، ج ۳، حدیث ۴۶۹۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۰، حدیث ۵.



• آموزش طلبی

هنگامی که عمر انسان به پایان می‌رسد، کارنامه اعمال او بسته می‌شود و دیگر امکان کسب زادوتوشه برای او وجود نخواهد داشت. در این حالت، اعمال شایسته‌ای که آثار مثبتی در جامعه داشته است، تا زمانی که آن تأثیر مثبت باقی باشد، برای او موجبات جلب رحمت الهی را فراهم خواهد کرد.

یکی دیگر از راه‌های مهم بهره‌مندی انسان پس از مرگ، تربیت فرزندان صالح و شایسته است؛ زیرا آنان با عملکرد مثبت خود می‌توانند موجبات دریافت پیوسته رحمت الهی را فراهم آورند. لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«میراث خداوند از بنده مؤمن، فرزند صالحی است که برای او آموزش طلبد.»^۱

پس حضور فرزند در خانواده، اسباب فراوانی روزی مادی و معنوی والدین می‌شود. تولد فرزندان، آثار و نتایج مثبت دیگری نیز به دنبال دارد. فرزندان می‌توانند یار و یاور والدین در پیری باشند و نیاز به صحبت‌کردن و محبت‌دیدن را در آنان تأمین کنند. ضمناً پاداش فراوانی نیز برای تحمل سختی‌ها و آزار کودکان در کارنامه اعمال آنان ثبت می‌شود. پس به هیچ عنوان بدون دلیل از مسئولیت فرزندآوری فرار نکنیم؛ بلکه به استقبال این هدیه الهی و نعمت ارزشمند خداوندی برویم که امام صادق علیه السلام فرمود:

«پسرها نعمت‌اند و دختران نیکی. خداوند از نعمت‌ها سؤال می‌کند و به نیکی‌ها پاداش می‌دهد.»^۲

جایگاه و منزلت مادر

خداوند متعال در برابر تکلیف فرزندآوری که بر عهده زن و مرد قرار داده است، فضیلت‌های فراوانی را نیز برای آنان قرار داده است و حقوق فراوانی را برای آنان در نظر گرفته است. در این میان، جایگاه و فضیلت مادر بسیار پُررنگ است و هم در آیات قرآن و هم در روایات معصومان علیهم السلام، به این جایگاه رفیع توجه ویژه‌ای شده است؛ تا جایی که پیامبر در پاسخ جوانی که از ایشان پرسید به چه کسی نیکی کند، فرمود: «به مادرت.» او برای بار دوم و سوم همین سؤال را پرسید و پیامبر باز هم

۱. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷، حدیث ۱۶۱۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۷، حدیث ۱۲.



فرمود: «به مادرت نیکی کن.» سپس در پاسخ پرسش برای مرتبه چهارم، فرمود: «به پدرت نیکی کن.»^۱

خداوند متعال به جهت سختی‌هایی که مادران در مسیر تولد و تربیت فرزند تحمل می‌کنند، پاداشی فزون‌تر برای آنان قرار داده است؛ تا جایی که رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«بهشت زیر قدم‌های مادران است.»^۲

حقیقتاً بسیار شیرین است که آدمی احساس کند خداوند متعال به عمل او نگاه مثبت می‌اندازد و آن را گرامی می‌دارد. معمولاً انسان‌ها دوست می‌دارند دیگران متوجه خدمات آنان باشند و متناسب با سخت‌تر شدن وظایف، توجه بیشتری به آنان بکنند. حال بسیار دل‌نشین است که خالق هستی و مالک و مربی مخلوقات، این نگاه توأم با قدردانی را به زحمات او داشته باشد. خداوند رحیم، انسان‌ها را به رعایت حقوق والدین توصیه کرده است:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾^۳

(و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد. [به‌هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد.] و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد. [آری، به او توصیه کردم] که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت [همه شما] به سوی من است.) در این آیه، ابتدا به نیکی به والدین و سپس به دوران بارداری مادر اشاره شده است تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند و به او تذکر دهد که زحمات مادر را فراموش نکند و همواره به یاد داشته باشد که مادر او را حمل کرده و از شیرۀ جانش به او خورانده و برای آسایش او، خواب و خوراک را بر خود حرام کرده است. در واقع به دلیل اینکه حق مادر بر فرزند بیشتر بوده است، خداوند از مقام مادر جداگانه یاد کرده و جایگاه او را به صورت ویژه تقدیر کرده است.^۴

این جایگاه رفیع و منزلت عالی مادران در هیچ شغل و جایگاه علمی و اقتصادی

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. مشکاة الانوار، ص ۴۰۶.

۳. لقمان، ۱۴.

۴. نک: تفسیر نور، ج ۹، ص ۲۴۹.



و فرهنگی قابل دستیابی نیست. پس تمام تلاش خود را برای پاسداشت این مقام رفیع صرف کرده، برای تربیت فرزندان صالح و شایسته برنامه ریزی کنیم.

زمان مناسب برای تربیت

برای انجام شایسته هر کاری، باید ابتدا زمان مناسب برای آن کار را مشخص کنیم. کشاورز باید بداند چه زمانی برای کاشت بذر مناسب است؛ در چه فواصل زمانی باید به آبیاری زمین بپردازد؛ در چه زمانی باید آفات زمین را از بین ببرد و از همه مهم تر، باید با زمان مناسب برداشت محصول به خوبی آشنا باشد.

ما نیز برای تربیت انسانی با شخصیت سالم، نیازمند آن هستیم که با زمان مناسب برای تربیت کردن آشنا باشیم. باید بدانیم در چه وقت نصیحت کنیم، چه هنگام تشویق کنیم و چه زمانی فرزند خود را تنبیه کنیم و محروم سازیم. خدای متعال که تأکیدهای فراوانی به مسئله فرزند دارد، تعالیم کافی برای چگونگی تربیت و زمان مناسب آن را مشخص کرده است؛ لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلامی کوتاه و بسیار راهگشا می فرماید:

«فرزند هفت سال آقاقت، هفت سال خدمتکار و هفت سال وزیر است. اگر در ۲۱ سالگی از تربیت او راضی بودی که خب؛ وگرنه به پهلویش بزنی [تا دنبال کار خودش برود] که نزد خداوند معذوری.»^۱

در این فرمایش زیبا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص می کند که اگر سه استراتژی تربیتی در این سه مرحله اساسی رشد، به خوبی اجرا شود، فرزند به صلاح و شایستگی دست خواهد یافت و اگر این سه استراتژی به درستی اجرا شود و پس از آن، شاهد رفتارهای ناهنجار فرزند خود باشیم، ما وظیفه تربیت خود را انجام داده ایم و دیگر بازخواست نخواهیم شد.

تعلیم یافته مکتب نبوی، امیرمؤمنان علی علیه السلام، در کلامی مشابه، این سه مرحله را با بیانی دیگر مطرح کرده است:

«فرزندت هفت سال دسته گل تو و هفت سال خدمتکار توست. پس یا دشمن توست یا دوست تو.»^۲



۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۸، حدیث ۱۶۴۹.
۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۴۳، حدیث ۹۳۷.

یکی از نکات مهم تربیتی برای تکریم شخصیت کودک، توجه کردن و جدی گرفتن احساسات او در هفت سال آغازین زندگی است؛ لذا پیامبر هفت سال اول را دورهٔ سیادت فرزند و طبیعتاً فرمان برداری و اطاعت والدین از او دانسته است. در این دوران، والدین باید تمام خواسته‌های فرزند را در صورتی که به او آسیبی نرساند و در توان آن‌ها نیز باشد، تأمین کنند. نتیجهٔ این هفت سال، فرماندهی کودک و رشد مناسب شخصیت او و فراگرفتن فرمان بری است. لذا در دورهٔ دوم تربیت، او فرمان بر مطلق و با محبت در برابر والدین خواهد بود. این بندگی فرزند در برابر پدر و مادر، نتیجهٔ اعتماد عمیقی است که او به والدین خود در هفت سال اول پیدا کرده است. با توجه به اینکه دوران هفت سال دوم، ایام تعلیم و تربیت کودک است، اجرای صحیح مرحلهٔ اولیه بسیار مهم است.

حال فرزندان که اصول اولیهٔ تربیت را فرا گرفته است، در دورهٔ سوم تربیتی، شایستگی وزارت و معاونت ما را در خانواده پیدا کرده است و در نقش مشاور و امین ما ظاهر خواهد شد. در این مرحله که مقارن دوران جوانی فرزند است، امرونهی به هیچ عنوان منجر به اصلاح او نخواهد شد؛ بلکه باید با مشورت گرفتن از او، علاوه بر آموزش غیرمستقیم، شخصیت او را نیز گرمی داریم تا با شخصیتی سالم و هنجار وارد جامعه شود. در پایان این دوره است که کودک دلبنده ما، به بلوغ فکری و عقلی رسیده است و شایسته است خود، خانواده تشکیل دهد و سرپرستی گروهی را بر عهده بگیرد. اعداد سه‌گانهٔ هفت، سه مرحلهٔ اساسی تربیت را مشخص می‌کنند و ممکن است در کودکان مختلف، متناسب با میزان رشد فکری و جسمی آن‌ها، چند ماه و چند سالی جابه‌جا شوند. برای مثال، از امام باقر علیه السلام روایت است که ما کودکان خود را از پنج سالگی امر به نماز می‌کنیم؛ ولی شما کودکانتان را از هفت سالگی به نماز امر کنید.^۱

برای تربیت صحیح فرزندان خود، حتماً توصیه‌های پیامبر را در هر مرحله در نظر بگیریم و از تعلیم زودهنگام فرزندان خودداری کنیم و اجازه دهیم در سال‌های اول حیات، با بازی و بازیگوشی، خلاقیت خود را پرورش دهد و آمادگی کامل برای دورهٔ مهم و سرنوشت‌ساز تربیتی را پیدا کنند.

۱- کافی، ج ۳، ص ۴۰۹، حدیث ۱.



جایگاه مادر در تربیت اسلامی

جایگاه محبت و عشق‌ورزی در تربیت اسلامی، جایگاهی انکارناپذیر است و ملاحظت در برخوردها و اخلاق شایسته، از ارکان اصلی تربیت هستند. در بررسی تاریخی دوران ابتدایی اسلام، مشاهده می‌کنیم بسیاری از کافران پس از مشاهده رأفت و شفقت پیامبر گرامی اسلام و برخورد با اخلاق عظیم نبوی، به اسلام علاقه‌مند شدند و به موحدان پیوستند. خداوند متعال راز موفقیت پیامبر در تبلیغ دین و سوق دادن مردمان به سوی اسلام را نرم‌خویی پیامبر معرفی کرده است:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾

[به برکت] رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

لذا نقش مادران در تربیت فرزندان، به دلیل بهره‌مندی از عاطفه فزون‌تر، انکارشدنی است. این از جلوه‌های زیبای حکمت الهی است که احساسات و عواطف را در جنس زن بیشتر کرده و بهره‌آنان را از محبت بیشتر قرار داده است تا بتوانند مسئولیت بسیار ارزشمند تربیت نسل آینده را به بهترین شکل بر عهده بگیرند. رهبر معظم انقلاب درباره جایگاه رفیع مادران می‌فرماید: «فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است. اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال، ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آن‌ها داده، عاطفه‌اش را به آن‌ها داده، احساساتش را به آن‌ها داده، اندام‌های جسمانی‌اش را به آن‌ها داده. در واقع این هنرزن‌هاست. اگر چنانچه ما این‌ها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.»^۲ البته باید به جایگاه مردان به عنوان تکیه‌گاه خانواده نیز اشاره کرد و متذکر شد که برای تربیت شایسته، همراهی و همیاری والدین با یکدیگر منجر به تربیت فرزندی با شخصیت سالم می‌شود. حال با این توضیحات، به چند راهکار تربیت اسلامی اشاره خواهیم کرد که مادران شایسته این مرز و بوم، کودکان خود را به واسطه این اصول به شایستگی تربیت کنند.

۱. آل‌عمران، ۱۵۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲.



راهکارهای تربیت اسلامی

● احترام

همان طور که در حوزه ارتباط زن و شوهر نیز تذکر داده شد، احترام نیاز تمامی انسان‌ها در هر سنی است؛ اما باید توجه داشته باشیم این احترام در دو مقطع سنی بسیار مهم‌تر و حیاتی‌تر است: یکی در دوران کودکی و یکی در کهن‌سالی. در ابتدای زندگی، کودکان نیازمند دریافت احترام هستند تا به وسیله آن، شخصیت خود را بسازند و با شخصیتی سالم پا به اجتماع بگذارند. به همین دلیل است که پیامبر رحمت حضرت محمد ﷺ احترام به کودک و تربیت شایسته را به یکدیگر گره زده است:

«کودکانتان را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید.»

همین جا لازم است تذکر داده شود که حفظ احترام متقابل بین پدر و مادر نیز تأثیر شگرفی بر تربیت فرزندان خواهد داشت؛ زیرا فرزندان تا زمانی که بروز عملی توصیه‌های اخلاقی ما را در خود ما مشاهده نکنند، نمی‌توانند به خوب بودن سخن ما اعتماد کنند. اگر ببینند با شوهر خود بدون رعایت احترام صحبت می‌کنیم، متوجه خواهند شد که رعایت احترام بزرگ‌تر ضرورت چندانی ندارد. پس آنان نیز احترام ما را حفظ خواهند کرد.

همچنین رعایت عملی احترام توسط ما باید به صورت فراگیر باشد؛ یعنی اگر فرزندان مشاهده کند احترام گذاشتن ما به صورت گزینشی بوده، همیشگی نیست، دچار دوگانگی شخصیت می‌شود و نمی‌تواند دلیل رفتارهای ما را متوجه شود. در این صورت، به جای یاد دادن احترام، دورویی و فرصت‌طلبی را به فرزندان آموخته‌ایم.

● محبت و نوازش و بوسیدن

در الگوی تربیت اسلامی، محبت به عنوان یکی از اصول اساسی، معرفی شده و از کوتاهی در مهرورزی و همچنین افراط در محبت نیز نهی شده است. گاه مشاهده می‌شود برخی مادران محبت بسیار زیادی به فرزندان خود دارند؛ اما این محبت را در قلب خود مخفی نگاه می‌دارند و از اظهار آن اجتناب می‌کنند. آن‌ها فکر می‌کنند تأمین نیازهای فرزندان و از خودگذشتگی برای حفظ آسایش و راحتی او، محبت آنان را

۱. حکمت‌نامه کودک، ص ۱۷۲.





ثابت می‌کند و گفتن و نمایش دادن محبت ضرورتی ندارد. این فکر از اساس غلط است. فرزندان نیازمند مشاهده عینی محبت قلبی مادران و پدران خود هستند. آن‌ها باید این محبت را در عمل ببینند و با مشاهده آن، طعم شیرین آرامش را بچشند. به همین دلیل است که در تعالیم اسلام تأکید فراوانی بر نوازش و بوسیدن فرزندان شده است. پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«مؤمن، دوست خداست و فرزند او هدیه خداست. پس هرکس که خداوند در اسلام به او فرزندی عطا کرد، باید او را زیاد ببوسد.»^۱

نکته درخور تأمل در محبت‌ورزی به فرزندان در این است که طبق فرموده امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، بوسیدن فرزند به‌عنوان یکی از ابزارهای عملی ابراز و اثبات محبت، آن‌چنان اهمیتی دارد که والدین در صورت کوتاهی، مستوجب عذاب الهی خواهند شد. مردی خدمت پیامبر رسید و گفت هرگز کودکی را نبوسیده‌ام. وقت بازگشت، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«این مرد در نزد من از دوزخیان است.»^۲

پس حتماً محبت خود را به فرزندانمان ابراز کنیم و مهرورزی را به آنان تعلیم دهیم تا در زندگی آینده خود آرامش بیشتری را تجربه کنند.^۳

• قاطعیت و سازش نکردن

با وجود نکاتی که در خصوص ابراز محبت به فرزندان گفته شد، باید توجه کنیم که یکی از اهداف محبت، تربیت شایسته فرزندان است. پس هرگاه این محبت، منجر به خطاکاری خود یا فرزندانمان شود، نه تنها مطلوب نیست، بلکه از ناپسندترین رفتارهاست. دوست داشتن خانواده و محبت به آنان قلمرو خاصی دارد؛ به‌گونه‌ای که نباید به هیچ شکل ممکن منجر به ترک اطاعت پروردگار و نافرمانی از خدای متعال شود. پیامبر در توصیه‌ای به ابن مسعود فرمود:

«مبادا دلسوزی برای خانواده‌ات، باعث شود که اطاعت خدا را وا نهدی و نافرمانی‌اش را در پیش گیری!»^۴

۱. تنبیه الغافلین، ص ۳۴۳، حدیث ۴۹۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰، حدیث ۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۳، حدیث ۳۹۱.

۳. دلیل برخی از مهرورزی‌نکردن‌ها در محیط خانواده بین شوهر و همسر، یادنگرفتن ابراز محبت در محیط خانواده در دوران کودکی است.

۴. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۴۹، حدیث ۲۶۶۰.

البته بدون شک اصل اساسی در رابطه مادر و فرزند، محبت و نرمش است؛ اما باید مراقب بود این محبت مانع از تربیت شایسته فرزندانش نشود. متأسفانه در نظر بسیاری از افراد، قاطعیت در تقابل با محبت است؛ در حالی که باید یاد بگیریم در نهایت محبت، قاطع نیز باشیم. برای مثال اگر به فرزند خود گفته ایم: «به علت مریضی، حق خوردن شکلات را ندارد»، به هیچ عنوان نباید از تصمیم خود کوتاه بیاییم. در این حالت، در اوج مهربانی و با خنده، به او تذکر می‌دهیم که شکلات برایش خوب نیست و نمی‌تواند به شکلات‌ها دست بزند. حتی در صورت نیاز می‌توانیم پاداش‌های جاننشین نیز برای او تعیین کنیم؛ اما حرف خود را نباید عوض کنیم. به یاد داشته باشیم برای قاطع بودن لازم نیست اخم کرده یا به کودک خود توجه نکنیم.

در صورت رعایت نکردن اصل قاطعیت در تربیت، فرزندان لوس، ضعیف‌النفس، وابسته و پرتوقع تربیت خواهیم کرد. اینان در برابر سختی‌ها و مشکل‌ها، مقاوم و صبور نخواهند بود و در زندگی خانوادگی و اجتماعی آینده خود، دچار مشکلات فراوانی خواهند شد.

● وفای به عهد

در خصوص اهمیت وفاداری به عهد و قول، در فصل کلیدهای طلایی خوشبختی نکاتی تذکر داده شد و نقش وفاداری به قول و وعده به فرزندان در تربیت شایسته آنان بررسی شد. در اینجا فقط به فرمایشی از امام کاظم علیه السلام بسنده می‌شود: «هرگاه به کودکان وعده دادید، بدان وفا کنید؛ چراکه آنان بر این باورند که شما روزی شان را می‌دهید.»^۱

در واقع کودک پیش از آشناسدن با مفهوم خدا، والدین رارَب و صاحب اختیار خود می‌داند و برای آنان نقش خداوندی قائل است. لذا حتی تصور عیب و نقص در آنان نیز برای او دشوار است. خلف وعده والدین آثار نامطلوبی در فکر کودک می‌گذارد و حتی در آینده ممکن است رابطه او با خداوند را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این است معنای کلام عمیق امام که وفای به عهد به کودک را ضرورتی تخلف‌ناپذیر دانسته است.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۰، حدیث ۸.



● کودکی کردن با کودک و بازی با او

شاید واژه بازی برای بزرگسالان برابر با وقت‌گذرانی و غفلت باشد؛ اما بازی برای کودکان بستر رشد و تکامل است. دوران بازی کودک، دوران تعطیلی تکامل نیست؛ بلکه دوران شکوفایی استعدادها و از طریق بازی است. به همین دلیل است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به بازی کردن با کودکان توصیه کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام در توصیه‌ای ارزشمند به والدین می‌فرماید:

«فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند و هفت سال [دوم] او را تربیت کن و هفت سال [سوم] او را با خودت همراه کن.»^۱

دوره اول تربیت فرزند که دوره امیری و سروری او نیز هست، باید قرین با بازی باشد. بازی‌های مناسب در این سن آمادگی ذهنی لازم را در کودک برای تربیت‌پذیری و آموزش‌پذیری بیشتر در دوره دوم تربیت فراهم می‌سازد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، نه تنها دستور به اجازه‌دادن به کودک برای بازی صادر شده است، بلکه والدین را به برخورد کودکانه با فرزند و بازی کردن با او توصیه کرده‌اند. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توصیه فرموده است:

«نزد هرکس کودکی هست، باید با او کودکی کند.»^۲

فرزنددی که دوران کودکی خود را به کمک بازی اقماع نکرده باشد، در بزرگسالی از خود، رفتارهای کودکانه نشان می‌دهد و منجر به آسیب‌زدن به خود و خانواده خواهد شد.

از آنجایی که بازی، رکن مهمی در حیات کودک است و از طرفی والدین و به خصوص مادر، نقش قهرمانان زندگی او را بازی می‌کنند، حضور و همراهی آنان در بازی برای کودک بسیار اهمیت دارد. به سبب اهمیت والدین برای کودک، بازی آن‌ها با او منجر به تکریم کودک و افزایش عزت نفس او می‌شود. علاوه بر این، بازی کردن والدین با کودک منجر به تحکیم روابط و افزایش صمیمیت رابطه آنان می‌شود. این صمیمیت کودک و والدین، در مراحل بعدی تربیت، بسیار راهگشاست و مانع از گرایش افراطی او به گروه دوستان و فرار از خانواده می‌شود.

در سیره پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علاوه بر توصیه‌های فراوان به بازی با کودک،

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۲، حدیث ۴۷۴۳.

۲ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳، حدیث ۴۷۰۷.



نمونه‌های عملی زیادی از بازی ایشان با کودکان مشاهده می‌کنیم. برای نمونه، روزی پیامبر با گروهی نماز می‌خواند و حسین علیه السلام که خردسال بود، در کنار ایشان قرار داشت. هرگاه پیامبر خدا به سجده می‌رفت، حسین می‌آمد و بردوش ایشان سوار می‌شد و سپس پاهایش را تکان می‌داد می‌گفت: «هی! هی!» وقتی پیامبر خدا سر بر می‌داشت، او را می‌گرفت و کنار خود می‌گذاشت و همین که به سجده می‌رفت، حسین به پشت پیامبر بر می‌گشت و می‌گفت: «هی! هی!» این کار را همچنان ادامه داد تا اینکه پیامبر خدا نمازش را تمام کرد. در این هنگام فردی یهودی گفت: «ای محمد، شما با فرزندان خود به‌گونه‌ای عمل می‌کنید که ما نمی‌کنیم.» پیامبر فرمود: «بدان اگر به خدا و پیامبرش ایمان می‌آوردید، حتماً با کودکان مهربان می‌شدید.» یهودی گفت: «من به خدا و پیامبر او ایمان می‌آورم.» او مسلمان شد؛ زیرا با همهٔ عظمت مقام پیامبر، کرامت ایشان را مشاهده کرد.^۱



^۱ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶، حدیث ۵۷.



کلام آخر

با تمام نکات ذکرشده درباره اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند، ممکن است برخی تصور کنند وظیفه تربیت فرزند به دلیل مدیریت مرد در خانواده، به عهده اوست و از زنان در صورت کوتاهی در تربیت، سؤال نخواهد شد. باید توجه کنیم مسئولیت تربیت فرزند به عهده پدر و مادر بوده و هر دو در این مسیر، موظف به رعایت نکات اساسی تربیت هستند. پیامبر خدا می فرماید:

«مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می شود. زن نیز مسئول خانه شوهر و فرزندان است و درباره آنان از او سؤال خواهد شد.»^۱
پس در انتها، از خداوند متعال می خواهیم توفیق تربیت فرزندان شایسته را به همه ما عنایت فرماید. آمین.

۱. حکمت نامه کودک، ص ۱۴۶.

توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «مادرانه»

سؤال‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

- ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب، نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح سؤال‌ها به صورت يك عدد پنج‌رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.
مثال: مادرانه ۱۴۱۳۲ سیدرضا کاظمی
- مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir
- پاسخ به سؤال‌ها در پاسخنامه: پاسخنامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

هزینه ارسال پاسخنامه از طریق «پست جواب قبول» پرداخت شده است و نیازی به استفاده از پاکت و تمبر نیست.

- پیامک‌ها و پاسخنامه‌های تکراری و ناقص حذف می‌شود.
 - آخرین مهلت شرکت در مسابقه، يك ماه پس از دریافت کتاب است.
 - قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.
 - این متن حاوی آیات قرآن و اسامی متبرکه است. شایسته است در حفظ حرمت آن کوشا باشیم
- تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.
- تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

سوال اول: طبق متن دلایل و ضرورت‌های ازدواج در کدام گزینه ذکر شده است؟

۱. حرکت تیمی به سمت رشد و کمال
۲. تسکین و آرامش روانی
۳. گسترش صفات شایسته و رشد اخلاق
۴. همه گزینه‌ها



سوال دوم: آیه ۱۸۹ سوره اعراف ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ...﴾ ناظر بر کدام یک از

دلایل و ضرورت های ازدواج می باشد؟

۱. تسکین و آرامش روانی
۲. حرکت تیمی به سمت رشد و کمال
۳. گسترش صفات شایسته و رشد اخلاق
۴. تامین نیاز به محبت و پشتیبان

سوال سوم: طبق متن دومین عامل موانع ازدواج بانوان در کدام گزینه ذکر شده است؟

۱. فرار از مسئولیت
۲. ادامه تحصیل
۳. سختگیری و توجه زیاد به مادیات
۴. مهریه کم

سوال چهارم: کلمه «نحله» در لغت به چه معانی آمده است؟

۱. حقوق زن
۲. مهر زیاد
۳. صداقت
۴. بخشش و عطیه

سوال پنجم: اولین ویژگی زن شایسته در آیه ۵ سوره تحریم ﴿عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن تُبَدِّلَهُ

أَزْوَاجًا...﴾ در کدام گزینه ذکر شده است؟

۱. اسلام و تسلیم در برابر اراده و خواست الهی
۲. تواضع و اطاعت از همسر
۳. پرهیز از ارتکاب گناهان
۴. توبه کردن و اصلاح خویش



پاسخ نامه مسابقه فرهنگی «کلبه آرامش - مادرانه»

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

سؤال	گزینه	۱	۲	۳	۴
سؤال اول					
سؤال دوم					
سؤال سوم					
سؤال چهارم					
سؤال پنجم					

فرم نظر سنجی کتاب

ردیف	موضوع	بسیار خوب	خوب	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
نظرها، پیشنهادهای و انتقادات:						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



..... فرستنده:

.....

.....

..... کد پستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵